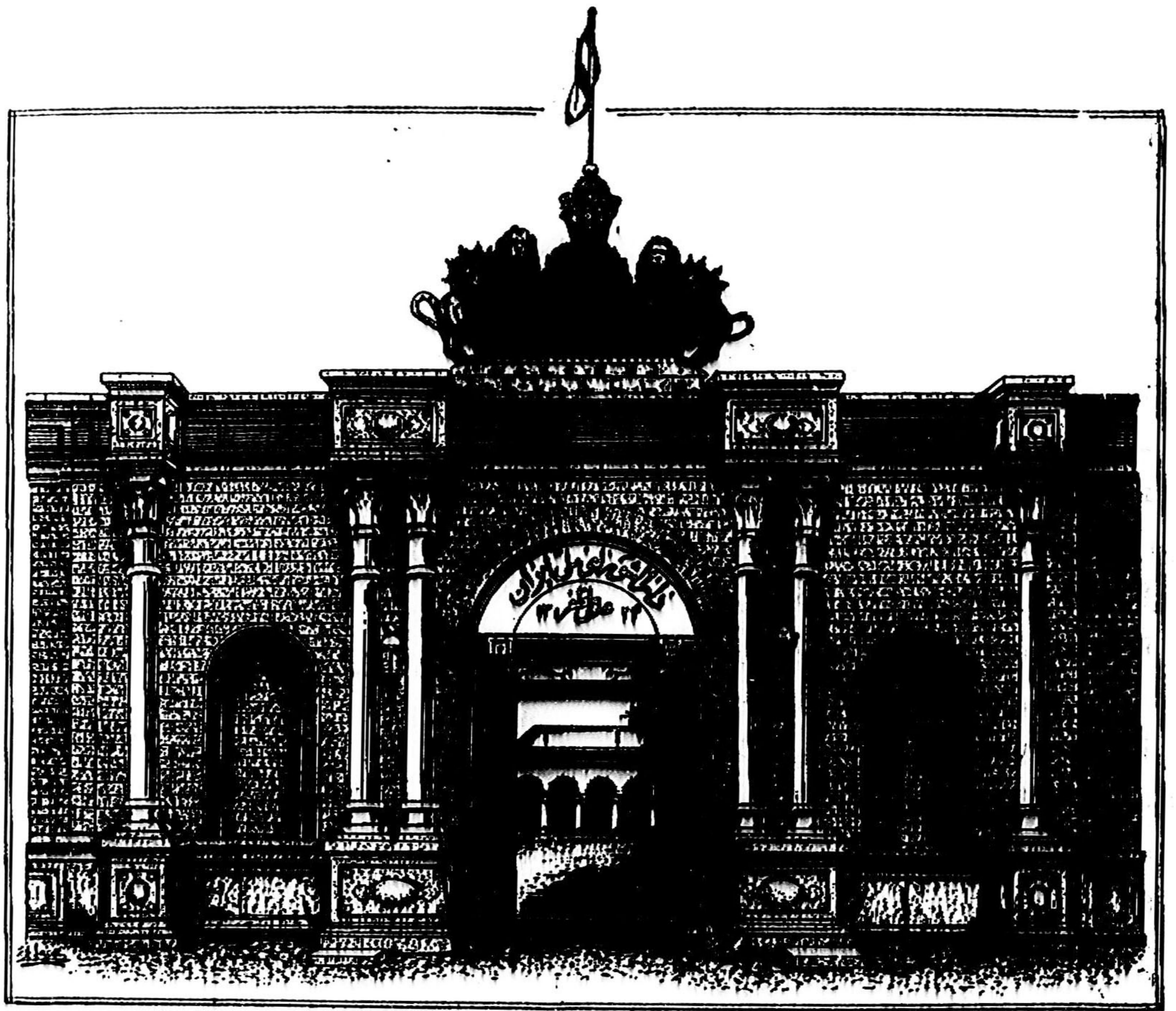


<p>جلسه ۸۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره پنجاه و سوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۳ شوال المکرم ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت خبر شعبه ششم راجع بانتخابات سیرجان و مخالفت آقای زوار	۱۰۱۸	۱۰۱۹
۲	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به فروش خالصجات (ماده پنجم)	۱۰۲۰	۱۰۲۲
۳	سؤال آقای کاررونی از آقای وزیر مالیه راجع باجزای قانون ممیزی و جواب آقای وزیر	۱۰۲۲	۱۰۲۵
۴	سؤال آقای آقا سید یعقوب از آقای وزیر مالیه راجع به ترك عملیات ممیزی و تمیضاتی که در این عمل میشود و جواب آقای وزیر	۱۰۲۵	۱۰۲۸
۵	سؤال آقای محمد ولی میرزا از آقای وزیر مالیه راجع به مطبوعات آذربایجان و جواب آقای وزیر	۱۰۲۸	۱۰۲۸
۶	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع از آقای وزیر مالیه راجع به وجوه انحصار قند و چای	۱۰۲۸	۱۰۲۹
۷	سؤال آقای دمشق از آقای وزیر مالیه راجع به قاچاق در سواحل خلیج فارس و جواب آقای وزیر	۱۰۴۰	۱۰۴۲



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۶ فروردین، ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۳ شوال المکرم ۱۳۴۵

جلسه ۸۷

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس پنجشنبه بیست و چهارم فروردین
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه ۸۶
آقایان : میرزا حسینخان موقر - ضیاء - حشمتی -
محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی - عباس میرزا - نوبخت
حاج میرزا مرتضی - میرزا عبدالحسین .

آذر انجمن مرکزی و سایر انجمن های فرعی مشغول دادن تعرفه و اخذ قرائت آراء بوده که متدرجاً هر يك از حوزه های فرعی به نسبت قرب و بعد خود نتیجه جریان انتخابات را بانجمن مرکزی رسانیده اند. بموجب مندرجات صورت مجلس انجمن مرکزی سیرجان در ۲۱ آبان انجمن فرعی اقطاع و افشار در جواب تلگراف نمره ۱۳۹۹ انجمن سیرجان خاتمه انتخابات يك قسمتی از حوزه مزبور را راپورت میدهد ولی صورت مجلس و نتیجه جریان انتخابات اقطاع و افشار بواسطه بعد مسافت و فقدان وسائل پست و حمل و نقل قدری دیرتر بانجمن مرکزی واصل میشود لیکن بموجب مراسله نمره ۱۰ که انجمن مرکزی خود وصول آنرا تصدیق کرده انتخابات اقطاع و افشار در جریان بوده و خاتمه یافته است.

انجمن مرکزی سیرجان بانکاء مواد ۳۶ و ۳۷ قانون انتخابات در روز ۲۳ آذر اعلان ختم انتخابات را منتشر و قبل از وصول صورت مجلس و نتیجه انتخابات چندین حوزه فرعی اقطاع و افشار و قبل از تعیین دو هفته برای وصول شکایات و حتی قبل از اینکه اعتراض اهالی در ایام مقرر قانونی برسد نمایندگی آقای بدر را توسط وزارت داخله بایشان اطلاع میدهد و وزارت داخله پس از آن که مستحضر میشود که انجمن مرکزی سیرجان قبل از خاتمه ایام قانونی و قبل از وصول نتیجه انتخابات اقطاع و افشار مبادرت باین اقدام نموده از یکطرف با آقای بدر اخطار میکنند که دعوت وزارتخانه کان لم یکن میباشد و از طرفی بانجمن سیرجان تلگراف مینماید که مجدداً انجمن را تاخاتمه مدت قانونی تشکیل و انتخابات را بپایان برساند. انجمن مرکزی سیرجان مجدداً برای وصول نتیجه انتخابات اقطاع و افشار و شکایات اهالی تشکیل و تا روز ۶ دی بجلسات خود ادامه داده و بانیکه نتیجه انتخابات اقطاع و افشار و صورت مجلس آن جا واصل شده بانکاء مواد فوق الذکر آراء محل مزبور را ابطال مینماید.

شعبه ششم در ضمن رسیدگی دو نکته برجسته در دوسیه

غائبین بی اجازه

آقایان: علیخان اعظمی - محمد تقی خان اسعد - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک .
درآمدگان با اجازه

آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - خطیبی - نظامی - طباطبائی وکیلی - محمود رضا - الخمی - حاج آقا حسین درآمدگان بی اجازه

آقایان: مرتضی قلیخان بیات - دشتی - باسائی - نجومی - میرزا ابراهیم خان قوام - دکتر مصدق.
رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟
بعضی از نمایندگان - دستور.

رئیس - خبر شعبه ششم راجع به انتخابات سیرجان مطرح است. آقای شیروانی.
(آقای شیروانی در محل اطلاق حاضر و خبر مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم دوسیه انتخابات سیرجان را در جلسات عدیده نحت شور و مذاقه قرار داده و اینک خلاصه جریانات انتخابات محل مزبور و نتیجه تحقیقات و عملیات شعبه را ذیلاً بعرض میرساند: در غره رمضان ۱۳۴۴ بر حسب دعوتیکه در ۱۶ شعبان مطابق اسفند ماه ۱۳۰۴ از طرف آقای شجاع السلطان حکمران بعمل آمده انجمن نظارت سیرجان تشکیل و تأیست و چهارم اردی بهشت ۱۳۰۵ که بر حسب امر مرکز انتخابات کلیه ایالت کرمان توقیف میشود انجمن مزبور دچار استعفاء اعضاء و تعیین اعضاء علی البدل و مذاکره در تعیین معاین و غیره بوده است در ۸ مهرماه حکومت سیرجان بر حسب امر تلگرافی ایالت جدید نحت نمره ۲۶۳۳ انجمن مزبور را به عنوان اینکه در حکومت نظامی انتخاب شده منحل و انجمن جدید را انتخاب مینماید در ۱۹ مهرماه اعلان انتخابات منتشر و روز اول آبان را برای اخذ تعرفه و دادن رأی تعیین مینماید و تا ۱۹

سیرجان مشاهده نمود.

اول - توسل انجمن بمواد ۳۶-۳۷ قانون انتخابات برای ابطال آراء اقطاع و افشار.

دوم - اعتراض والی بانیکه پنجهزار و کسری تعرفه در اقطاع و افشار وجود نداشته در قسمت اول شعبه ابراد انجمن را بکلی غیر وارد میدانند زیرا ماده ۳۷ تصریح دارد که اگر انتخابات بعمل نیاید و اهالی شرکت نکنند محروم خواهند ماند در صورتیکه بتصدیق انجمن مرکزی اهالی شرکت نموده و انتخابات هم در موعده مقرر قانونی بعمل آمده است - یعنی در ایام مقرر قانونی شروع و خاتمه یافته

ماده ۳۶ هم میگوید اگر انجمن فرعی نتیجه انتخابات را نفرستد انجمن مرکزی بان انتخابات خاتمه میدهد در صورتیکه انجمن فرعی نتیجه را ارسال داشته و بواسطه بعد مسافت قدری دیرتر رسیده است

در قسمت ثانی بانیکه دوسیه کاملاً دلالت دارد که پنجهزار و پانصد تعرفه در اقطاع و افشار وجود داشته و توزیع شده مع هذا شعبه باتفاق آراء تصمیم گرفت که این موضوع را از آقای افجه که برای تفتیش جریانات فوق بکرمان اعزام شده اند تحقیق نمایند و تصدیق ایشان مأخذ رأی شعبه واقع شود. بنابر این رئیس اداره انتخابات بشعبه احضار و پس از تحقیقات و تبادل نظر با ایشان بوسیله وزارت داخله تلگرافاً از آقای افجه سؤال و معظم له بموجب دو فقره راپورت مفصل تلگرافی تصدیق مینماید که پنجهزار و پانصد تعرفه در اقطاع و افشار وجود داشته و تعرفه های مزبور در مقابل اخذ آراء ابطال و برای دهندگان داده شده است.

شعبه در آخرین جلسه که مرکب از هشت نفر از جمله ۱۳ نفر اعضاء حاضر در مرکز تشکیل یافت مجدداً جریانات فوق را نحت مذاقه قرار داده و نظر بانیکه آقای میرزا سید مصطفی خان کاظمی از کلیه آراء منتشره در حوزه انتخابات سیرجان دارای ۶۳۳۲ رأی بوده و در

درجه اول حائز اکثریت میباشد و کیل حقیقی سیرجان دانسته و نمایندگی معزی الیه را با اکثریت ۷ رأی در مقابل يك رأی تصویب مینماید.
زوار - بنده مخالفم.

رئیس - میباید برای جلسه دیگر دستور امروز اولاً خبر کمیسیون بودجه راجع به مطالبات شنیدر کروزر بعد بازم خبر کمیسیون بودجه راجع به عباس خان کردستانی لکن پیشنهاد شده است لایحه راجع به خالصجات مطرح شود.

آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده در تغییر دستور مخالفم
رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - بنده نظر مخالفم این است که ما يك کارهائی که در جریان داریم خوب است آقایان موافقت کنند که این کارها خاتمه پیدا کند. لایحه راجع به شنیدر کروزر جزو دستور بود و بنده برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم هر قدر بماند بیشتر میشود. در دوره پنجم بنده و شاهزاده سلیمان میرزا و معظمی راجع بان لایحه هی فشار آوردیم آخر صد و پنجاه هزار تومان بر آن اضافه شد. بنده حقیقت واقعش این است يك آدمی هستم که همیشه مخالفم ولی عقب افتادن این برای مملکت ضرر دارد. بنا بر این عقیده ام این است که این را بتأخیر نیندازند. این شخص تبعه دولت فرانسه است. از طلبش که نمیگذرد. همه آقایان حالت بنده را میدانند. مقصودم این است که باز يك باری بر ما محمیل نشود. این بود که ما جدیت کردیم که مطرح قرار بدهند. بعد پیشنهاد شد که برگردد به کمیسیون و آقای مدرس فرمودند که میخواهیم بیائیم در کمیسیون و درست تحقیق کنیم که بدانند مجلس متوجه است و میخواهد به این کار خاتمه بدهد ولی نیامدند. حالا هم بماند باز نخواهند آمد. این بود که عرض کردم دستور را تغییر ندهند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم این عقیده و ایمانی که برای آقای آقا سید یعقوب پیدا شده بطوریکه میفرمایند در نتیجه مطالعه در دوسیه است و دانستن اینکه در واقع يك طلبی است و باید نادیده شود و پیشنهاد آقای مدرس هم که قبول شد روی این منطبق بود که دیگران هم در این قضیه مطالعه بکنند. واقعاً اگر يك طلبی هست تصدیق بکنند و اگر نیست رد کنند این پیشنهاد هم روز پنجشنبه شد که متاخر به روز جمعه بود و هیچکدام از ماها مجال تحقیق و مطالعه نداشتیم و همه مان همان حالت را داریم که روز پنجشنبه در مقابل این قضیه بودیم. این بود که بنده پیشنهاد کردم که لایحه خالصجات مقدم باشد تا ما هم در اطراف لایحه شنیدر کروزو تحقیقاتی بکنیم که اگر واقعاً قضیه حقیقی است ما هم به آقای آقا سید یعقوب ملحق شویم و اگر نیست در يك قضیه ندانسته که بر ما مجهول است وارد نشویم.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دادگر آقابانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. در موقعیکه در لایحه خالصجات شور میشود باید کمیسیونها را هم انتخاب بفرمائید. شیروانی - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید. شیروانی - چون قبل از جلسه مذاکرانی شده است که يك طوری بشود که انتخاب کمیسیونها تکرار نشود و يك مرتبه همه باتوافق نظر انتخاب شوند این است که اگر اجازه بفرمائید بعد از تنفس انتخاب بشود بهتر است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - می ماند برای بعد از تنفس. خبر کمیسیون

بودجه راجع به خالصجات از ماده پنجم مطرح است.
(ماده مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنجم املاك خالصه ذیل مشمول مقررات این قانون نخواهد بود:

ا - حقوق دولت در رودخانه های عمومی دریاچه ها و سایر مخازن و منابع طبیعی آب

ب - حقوق دولت در قنوات باسار بجماری آب ها که محتاج الیه بلدیه ها برده و بابتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند.

ج - اراضی جنگلهای دولتی باستثناء جنگلهائیکه متعلق بمزارع خالصه است.

د - اراضی که در آنها وجود ذخایر معدنی نفیسه مسلم است.

ه - املاك خالصه و اراضی متصل بسرحدات با سواحل بانادر.

و - املاك خالصه که بمصرف تشکیل مزارع نمونه باسراکز امتحانات فلاحی باسار مؤسسات برای اصلاح بانکمیل فلاحی لازم میشوند.

ز - کلیه املاك خالصه که ممکن است مستقیماً برای انجام مقاصد دولتی مورد احتیاج واقع شود.

ح - بناها و آثار تاریخی و کاروانسراهائی که در راهها برای استفاده عابرین ساخته شده.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود.
(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه خالصجات بماند جهة جلسه فردا تا تجدید مطالعه در آن بشود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چون بنده هیچ مسبق نبودم که لایحه خالصجات امروز مطرح میشود و گمان میکنم سایر آقایان هم مسبق نبودند و دو ماه قبل يك مطالعه در آن شده و ناکنون از نظرها محو شده است. این است

که بنده پیشنهاد کردم بماند برای جلسه فردا که امروز

و امشب يك تجدید مطالعه بشود و از روی بصیرت مطرح شود

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم گرچه نظامنامه اجازه داده است و در هر دقیقه مجلس میتواند دستورش را تغییر بدهد ولیکن این پیشنهاد ایشان با پیشنهاد بنده خیلی بهم نزدیک است بعلاوه این لایحه هم دوشوری است در شور اول مطالعاتی که آقا در نظر دارند میشود و با نظریات مجلس بر میگردد به کمیسیون و برای شور دوم تمام نظریات در آن ملحوظ میشود و لزومی ندارد از دستور خارج شود زیرا متضمن پیشنهاد خود آقا هم هست.

فیروز آبادی - چنانچه دو شوری است بنده پس میگیرم.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - همینطور که آقا فرمودند مطالعه مان در این لایحه قدیمی است و حالا نظرمان نیست ولی يك فقره از مطالعاتمان بنده خاطرمان هست و حالا به عرض آقایان میسرانم. جهة مخالفت من این است که آن فقره هفتم...

رئیس - راجع به اصل ماده است؟

مدرس - بلی.

رئیس - بنده خیال کردم راجع به پیشنهاد آقای فیروز آبادی است.

شیروانی - ایشان پیشنهادشان را پس گرفتند.

رئیس - (خطاب به آقای مدرس) پس بفرمائید

مدرس - عرض میشود که يك فقره هفتمی اینجا دارد و يك فقره پنجمی. فقره پنجم مینویسد: املاك خالصه و اراضی متصل به سرحدات با سواحل با بانادر.

این را تصدیق میفرمائید که دائره خیلی وسیعی دارد. شاید يك قسمت عمده از اراضی که فروختنش صلاح است و اسباب تعمیر است در همین حدودی است که اسم برده اند و حال آنکه نمیشود گفت تمام اراضی که

در سرحدات واقع است همه محل احتیاج دولت است. صد فرسخ پنجاه فرسخ راه خصوصی اطراف دریاها اینها بیکار افتاده است نمیتوان گفت که همه اینها محل احتیاج دولت است با دولت همیشه آنجاها سرباز خانه میخواهد بسازد برای حفظ سرحدات و بنده عقیده ام این است که اگر به فقره هفتم قناعت شود مقصودی که از فقره پنجم هست بعمل بیاید. فقره هفتم چیست؟ این است که کلیه املاك خالصه که ممکن است مستقیماً برای انجام مقاصد دولتی مورد احتیاج واقع شود - اگر بان فقره هفتم قناعت شود کافی است منتهی نوشته شود چه در سرحدات چه در باندر و چه در جاهای دیگر که ممکن است محل احتیاج دولت واقع شود. البته در سرحدات هم بعضی اراضی هست که ممکن است محل احتیاج دولت واقع شود و بعضی اراضی هم هست که هرگز ممکن نیست محل احتیاج باشد.....

کازرونی - صحیح است.

مدرس - آقای کازرونی که میفرمایند صحیح است در اطراف بو شهر اراضی هست که غالباً افتاده و قابل است که جنگل بشود و قابل است که خیلی منافع عمده ازش برده شود بنده قریب هفت هشت فرسخ دیده ام ولی ممکن است چهل پنجاه فرسخ باشد.

و این عبارت که اینجا نوشته شده نمیگذارد آنجاها را بفروشند و حال آنکه محل احتیاج هم نیست و اگر اکتفا شود به فقره هفتم البته آنهایی که متخصص و اهل بصیرتند بجهة نظامی و غیر نظامی ملتفت هستند که کجا ممکن است محل احتیاج باشد آنوقت آنجاها را استثناء میکنند و ما بقی را میفروشند تا آباد شده و محل استفاده عمومی واقع شود. در این باب پیشنهادی هم کرده ام.

شیروانی (خبر کمیسیون بودجه) - نظر حضرت آقای مدرس در يك قسمت یعنی در قسمت (ز) رعایت شده یعنی اراضی را که ممکن است طرف احتیاج دولت واقع شود

ما بدون مطالعه در اطراف این لایحه صحبت نداریم. خصوصاً این لایحه خیلی مهم که يك انقلابی ایجاد میشود در اثر تصویب یا ردش بدون مطالعه و مباحثه نمیشود ما اظهار عقیده نکنیم. این را مقدمه عرض کردم. عرض کنم يك اظهاراتی آقای مدرس راجع به اراضی سرحدی فرمودند آقای مخبر هم جوابهایی دادند بنده گمان میکنم مقصود دولت برطبق فرمایشات آقای مخبر بهر تقدیر حاصل نمیشود برای اینکه سرحدات مملکت مال مردم است اراضی غالباً در هزاری نهصد و نود و نه مال مردم است و شاید یکی از هزارش مال دولت باشد. اگر ایشان برای جلوگیری از اینکه در آتیه این اراضی برخلاف صلاح مملکت در معرض عمل واقع نشود این ماده را ترتیب کرده اند؟ خوب لازم نیست این نقطه مخصوص باشد. نهصد و نود و نه قسمت دیگرش خواهد شد. در هر صورت این چه عقیده ایست بنده درست نفهمیدم! یعنی در سرحدات مملکت مردم ملك نداشته باشند؟ اتباع ایران آنجا نشینند و بالاخره آنجاها آباد نشود؟! همان طوری که آقای مدرس فرمودند در سواحل و مخصوصاً سواحل خلیج يك اراضی هست که اگر چنانچه مجانی ب مردم داده شود شاید در معرض استفاده بیرون بیاید و اگر در دست دولت باشد بحال خرابی مثل اینکه الان هست باقی خواهد ماند. در هر صورت بنده هیچ گونه اشکال نمی بینم که این قسمت را از قانون خارج کنند و هیچ ضرری در این موضوع متوجه دولت ولو با احتمال هم باشد نخواهد شد. زیرا علاوه بر اینکه در ماده دیگر هم تصریح شده است اگر دولت محتاج باشد خواهد گرفت و هیچ لازم نیست ذکر شود، زیرا نه در این مورد بخصوص نه در موارد دیگر هر وقت دولت لازم داشته باشد نه تنها از اراضی بایستی استفاده کند در موقع لزوم دولت میتواند از جمیع چیزهای مملکت برای يك امری که منافع و مضارش راجع به عموم اهالی مملکت است استفاده بکند و این يك چیزی است که

اما قضیه بکطرف دیگر هم دارد که شاید آقای مدرس حالا بی سابقه بودند و آن این است که اراضی سرحدی و ساحلی همیشه باید حتی الامکان دست دولت باشد حتی آنهایی هم که خالصه نیست دولت باید در آنها نظر داشته باشد. صحیح است که فرمودند اراضی را که دولت بدرش میخورد بگیرد و سر باز خانه بسازد ولی ممکن است آن اراضی که فعلاً هم در دست دولت است بدست يك اشخاصی بیفتد و يك روزی برای ساختن يك سر باز خانه خطر ناکی بکار برود. این نکته همیشه باید رعایت شود که سرحدات و سواحل کاملاً باید در تحت دقت و مراقبت دولت واقع شود. همینطور که میبینید همسایگان ما یا سایر جاهای دنیا چه نظرهای مخصوصی نسبت به سرحدات خودشان دادند. بنا بر این کمیسیون بودجه با این نظر دولت با اینکه در اینجا هم خیلی از این مذاکرات شد مجبور شد موافقت کند زیرا اراضی سرحدات و اراضی ساحلی که فعلاً خالصه است کاملاً باید در تحت نظر دولت باشد و ماده هم تقریباً يك قدری کش دار نوشته شده که بعضی جاها را که دولت صلاح بداند بتواند بفروشد بعضی از آقایان در کمیسیون بودجه میزان معین کردند و فرسخ سه فرسخ پنج فرسخ ولی بالاخره نمابنده دولت عقیده اش این بود که تعیین فرسخ نشود زیرا بعضی جاها ممکن است نیم فرسخی را نشود فروخت و بعضی جاها چهل فرسخی را هم نشود فروخت.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - متأسفانه زمانی که این لایحه مطرح بود بنده در مجلس نبودم و الان هم لایحه اش را ندارم بنابراین هیچگونه سابقه ندارم و از آنطرف هم بنده مخالفم که مسئله که در جلسه پیش معین نشده جزء دستور شود و

معمول به تمام دنیا است. دیگر تصریح معنی ندارد. بعلاوه اگر بخواهند این قسمت را در نظر بگیرند وسعت مملکت را هم همانطور در نظر بگیرند، ملاحظه فرمایند که سیصد و پنجاه فرسخ عرض و سیصد فرسخ طول اقلأ دارد، اصل ذکرش را هم واقعاً بنده موهم میدانم، این چه تذکری است؟! يك قسمت دیگر راجع به مجاری آنها است. بنده نمیدانم مقصود از مجاری آنها تعیین آن مجاری که ملك دولت است. یا آن مجاری که ملك مردم است؟ و اصلاً ذکرش مورد ندارد. مال مردم داخل نیست تا شما اینجا خارج کنید. بنا بر این ذکرش مورد ندارد ولی جهة است. پس اگر این طور است چیزهای دیگر را هم در نظر بگیرید. یکی دیگر اراضی جنگلها. آن اراضی که ملك دولت و خالصه دولت نیست بنده فلسفه نمی بینم برای اینکه در جزء خالصجات دولت واردش کنیم و بعد خارجش کنیم مخبر - همانطور که نماینده محترم خودشان فرمودند معلوم میشود لایحه را سابقه نداشته اند و مطالعه نکرده اند این بود که ایراداتشان بکفدری از روی عدم مطالعه بود. اولاً اینکه فرمودند دستور را تغییر میدهیم، صحیح نیست، دستوری تغییر داده نشده است. این لایحه مدنظر است در دستور است...

کازرونی - کی گفتم دستورا تغییر میدهیم؟! مخبر - اجازه فرمائید. چندین ماده اش هم مذاکره شده و چند ماده اش هم مانده و پیش آمدن سایر مسائل این دستور را تغییر داده وعدم مطالعه ایشان هم دلیل بر این نمیشود که سایرین مطالعه نکرده باشند بعلاوه این لایحه دوشوری است و همانطوری که گفته شد شما در شور اول مذاکرات خودتان را میفرمائید نظریات خودتان را هم بطور آیدیشنهاد میفرمائید در کمیسیون هم مورد شور واقع میشود و اصلاح میشود. در هر صورت این لایحه برای تأسیس بانک است که خود حضرتعالی بیشتر از همه کس علاقه مند به آن هستید و بانک سرمایه لازم دارد و سرمایه اش هم همین است. و این فکری است که همه اش هم از دولت نبوده آقای

مدرس و سایر آقایان نمایندگان از اواخر دوره پنجم تا بحال این فکر را کرده اند و میخواهیم زودتر عملی بشود بلکه با حضور خود مجلس ششم بانک تأسیس شود، سرمایه آن هم سال بسال از این محل داده شود و آن نظریات مهم اقتصادی که جنابعالی دارید زودتر بتوانیم انجام بدهیم، پس از نقطه نظر اهمیت بعقیده بنده اگر سه یا چهار لایحه مهم در مجلس باشد درجه اولش لایحه خالصجات است زیرا باید سرمایه تهیه کرد برای تأسیس بانک. اما راجع به سرحدات که فرمودند عرض میکنم وقتی که ما مسائل را بطور کلی فکر کنیم ممکن است همینطور که فرمودند باشد ولی وقتی که داخل در جزئیات شدیم تصدیق خواهند فرمود که اراضی خالصه متعلقه بدولت که در سرحدات مملکت واقع شود فروشش يك چیز خیلی ساده نیست. مثلاً میانکاله یکی از نقاط مهمه مازندران است که آنجا يك جنگل خیلی بزرگ و يك شبه جزیره بزرگ و يك موقعیت سیاسی و نظامی و اقتصادی خیلی مهمی دارد اینجارا اگر دولت بتواند اداره کند و در دست بگیرد اصلاح خواهد بود تا اینکه بدست بکنفر زارع و ناچر محلی بیفتد که يك روزی نتواند در مقابل يك پیش آمدهائی حفظ کند، یا مثلاً خالصجات سیستان فکر فرمائید اینها فروختن تمامش مخصوصاً آن قسمتهای سرحدی بکفدری که خودتان فکر فرمائید تصدیق خواهید فرمود که صلاح نیست. بعلاوه اینجا ما دولت را مکلف نکردیم که بفروشد، ما در این لایحه که به مجلس میآید دولت را مکلف کردیم که خالصجات را بفروشد بعد يك استثنائی قائل شدیم من جمله فقره پنجم است که گفتیم دولت مکلف نیست این را بفروشد، اگر هم لازم دانست بفروشد بالاخره با تصدیق مجلس و تصدیق يك مراکز صلاحیت داری دات را مکلف کردیم که در ظرف فلان مدت خالصجات را حتماً بفروشد. و برای خالصجات بایستی بکفدری بیشتر فکر و مطالعه کرد. و اینکه فرمودید لود و نه قسمت از سرحدات مال مردم است

و يك قسمت مال دولت اينطور نيست ...

كازرونی - نهصد و نود و نه قسمت عرض كردم
مخبر - ديگر بهتر خيز اينطور نيست براي اينكه
شما از حدود شهر ها كه خارج شديد تمام سواحل
متعلق بدولت است و متعلق باشخاص نيست . ملك در
صورتی متعلق باشخاص است كه در تصرفشان باشد وقتي
كه در تصرف آنها نبود در تصرف دولت و متعلق
باوست از قبيل جنگلها و سواحل و غيره اين يك اصلي
است كه بايد ديگر در ملكت قائل شويد . آن املاك
و اراضي و جنگل ها يا هر چيزی كه در تصرف
مردم است متعلق بمردم است و آن ها كه در
تصرف مردم نيست متعلق به ملت است كه رو بهمرفته
نابنده اش دولت است . اما آن مجاری مياهي كه فرموديد مال
مردم است يا مال دولت ؟ مال دولت است . مجاری
مياهي كه خالصه است و در شهرها است آنها را گفتيم
دولت براي كارهاي بلدي و كارهاي عمومي استثناء كند
و نفروشد و الا مجاری مياهي كه مال مردم است در
اينجا چرا اسمش را بياوريم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات كافي است .

(جمعی ديگر گفتند كافي نيست)

رئيس - آقای آقاسيد يعقوب

آقاسيد يعقوب - بنده در مخالفت با كفايت مذاکرات
عرض كنم يا در اصل ماده ؟
رئيس - در اصل ماده .

آقاسيد يعقوب - بنده با اينكه عضو كميسيون بودجه
هستم در اين مواد فروش خالصجات خيلي زحمت صحبت
ميكنم . ليكن خواستم نظر آقای شيرواني و اعضاء كميسيون
را در مجلس جلب كنم كه با اين عقابدي كه در ماده
دارم در كميسيون بابت موافقت كنند . تمام مخالفت بنده با
اين ماده براي اين است كه عرايض خودم را در مجلس
عرض كنم و قضاوت اكثريت مجلس را متوجه بخود بكنم
شايد در كميسيون بودجه با بنده موافقت بكنند . در

اينجا يك كلمه را در اين ماده آورده است كه اين
كلمات بقدری صدمه براي مردم و ملكت توليد ميكنند
كه فوق آن تصور نميشود . نوشته (جنگل) ما هنوز
قانون جنگل در مجلس نگذرانده ايم . هر كجا درخت
است دولت ميگويد مال من است . كيلان و مازندران
را شما ملاحظه كنيد مردم در جنگل ها منزل دارند
جرئت اينكه از دست مأمورين ...

يك نفر از نمایندگان - از شر ...

آقاسيد يعقوب - يعني از امر مأمورين وزارت فوائد
عامه براي نهيته خانه هاشان درخت ببرند . حقيقتش اگر
كسي در كميسيون عرايض باشد ميداند . اين صحبتهايي كه در
اينجا ميشود ناآر آور است كه در مجلس پنجم يك سؤالی نسبت
بخالصه و جنگل شد فوراً رفتند در وزارت فوائد عامه يك
تصويبنامه صادر كردند كه تمام درختها مال دولت است
تمام اين طالش ها اين بيچاره ها در طرف شمال و همين
جور جنوب مأمورين فوائد عامه بقدری بابتها فشار
آورده اند كه بيچاره ها گرفتارند . يك كلمه جنگل در
اينجا آورده شد تمام زندگانی جنگليهاي بيچاره را از
دستشان گرفته اند و مختل کرده اند . بنده عقیده نداشتم
در اينجا عبارتی نوشته شود كه مأمورين دولت
از اين عبارت سوء استفاده كنند . بنده نميگويم كه
جنگلها مال دولت نيست ولي محدود و معين كنند كه
كجای جنگلها است و چه ترتيب كه سوء استفاده نكنند
حتي درختهايي كه در جنگل درخانه روئيده است دولت
ميگويد مال من است ...

عبادی - جنگل هم مال دولت نيست

آقاسيد يعقوب - حالا عرض ميكنم . قانوني هنوز
نوشته نشده . نوشتن اين كلمه در اينجا اسباب سوء استفاده
براي مأمورين ماليه است . حالا مجلس با بنده موافقت
بكنند آن تصويبنامه كه در دوره پنجم نسبت به جنگلها
نوشته شده كه مردم را بآن فشار فوق العاده دچار كرد

كه بنا بر خواهش آقای حاج آقا رضا كه از آقای داور
خواهش كردند سه ماه مهلت دادند بعد هم پيش آقای
مخبر السلطنه التماس كردند سه ماه ديگر مهلت دادند كه
لااقل مردم خانه هاي خودشان را بپوشانند اينرا لااقل
طوري بكنند كه اين اندازه فشار به مردم وارد نياورند .
يك تصويبنامه كه صادر شده است كه جنگلها مال دولت است
برخلاف همه چيز خواستم آقای شيرواني و اعضاء كميسيون
با من موافقت كنند اين كلمه را ببندايم كه سوء استفاده
نشود مگر بعد از آنكه يك ترتيب و يك ممیزی
نسبت بجنگلها داده شود كه دولت تعدادي بحقوق آنها
نكنند . اين يك مسئله . مسئله ديگر راجع است به
رودخانه هاي عمومي و درياچه ها و ساير مجاري و منابع
طبيعي آب . بنده باز محض استحضار خاطر آقایان
عرض ميكنم يك سفيد رودی هست در كيلان كه مال
دولت است هر رودخانه كه اهالی كيلان بيچاره ها
احداث کرده اند براي فاضل آب اين شالی كاری (معلوم است
همه مستحضرند كه زير مزرعه يك نهری ميكنند براي
فاضل آب كه در آنجا جمع ميشود) دولت باز هم دست
انداخته كه اينها هم مال من است !! آخر بچه ترتيب ؟!
حالا هم شما برداشيد نوشتيد رودخانه هاي عمومي و درياچه
ها ولي نخديد نكرده ايد ، معين نكرده ايد رودخانهاي
عمومي و درياچه ها به چه صورت ؟ محدود بچه حد است ؟
اينها كلماتي است كه بنده خودم گرفتارم و همچنين آقای
محمود رضا الان در اين باب گرفتار است . از كيلان
شكايت ميكنند كه مأمورين دولت بعنوان شيلات تمام
رودخانه هاي فاضل آب را دست انداخته اند . و اين
عبارت هم كه اينجا نوشته شود دولت سوء استفاده ميكنند
ميگويد در اينجا نوشته شده رودخانهها ، پس رودخانهها
در هر جا باشد مال دولت است . اين هم خوب است در
اينجا معين شود كه كدام يك از رودخانهها مال مردم
است و كدام يك مال دولت است اولاً اينكه
برسييل اطلاق نوشته شده اسباب زحمت و صدمه

مردم است . آقایان نگاه كنيد مالك شرقي چطور
متوجه باين هستند كه برعابا و دهاقين كمك و
همراهي بكنند . ما بلكي اسباب زندگانی دهاقين و زارعين
را مختل کرده ايم ! ما بايد متوجه باشيم كه يك قوانيني براي
راحتي و آسودگي اينها وضع كنيم . همه اش هي زنجير زنجير
دور دست و پای ملت ميبنديم با همين كلمات كسش دار
كه مصداقش غير معين است . بنده نميگويم مأمورين
ماليه اشخاص بدی هستند ولي چون اين كلمات غير معين
است مأمورين ماليه از اين كلمات مبهم سوء استفاده
ميكنند ماقط طهران و اطراف طهران را نگاه ميكنيم
كه كسي اذيتان نميكنند . اما نميدانيم اين كلمات نسبت برعابا
چه اسباب فشاری است . اينهم يك كلمه . كلمه ديگر
دارد : حقوق دولت در رودخانه هاي عمومي درياچه ها
و ساير مخازن و منابع طبيعي آب . بيني و بين الله اين
را باز عرض ميكنم درست است كه مجلس مقننه بايد
وضع قانون بكنند اما مصداق خارجيش با او نيست . با دولت
است . دولتي كه بيايد ساير مخازن و منابع طبيعي آب
را برايش يك مصداق خارجي قائل بشود كه اسباب
زحمت مردم نباشد كدام است ؟! اين كلمات مطلق مبهم يك
آتشی است بجان مردم بدبخت . ما بايد در وضع قوانين
اين كلمات را ننويسيم و بپردازيم بيك كلمات واضح اندلاله
و صريح كه اگر از وزير سؤال ميكنيم متوسل باين
كلمات بجهل نشود و نگويد كه من از اين كلمات اينطور
فهميدم . بنده نميدانم اين ساير مخازن و منابع طبيعي
آب چيست ؟ قنوات است ؟ مثلاً منبع آب كوه البرز
است ؟ بنده يك قنات از اين كوه البرز درست كردم .
ببايد بگويند اين كوه مال دولت است قنات را هم
بگيرند . براي اينكه ميگويند شما نوشته ايد ساير مخازن
و منابع طبيعي آب و پس فردا از اين كلمات مبهم سوء استفاده
ميكنند . اين است كه بنده خواستم نظريات خودم را
كه در كميسيون هم عرض کرده ام در اينجا هم تذكر
بدم كه اعضاء محترم كميسيون بودجه توجهی بعرايض

مردم شریک است، در صورتیکه دادن مالیات هیچوقت دولت را در ملک مردم شریک نمیکند...
مخبر - این مسلم است.

آقا سید یعقوب - این مسلم است! اگر عزیزت قسم است با این مسلمیات خودت قزوین را و گیلان را رفتی و دیدی که مأمورین دولت يك كاهی را کوهی می کنند ما باید بقدری اینجا عبارت را صریح و واضح بنویسیم که هیچ جا تولید اشکالی نشود - حقوق دولت در سایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدیها بوده - بنده هیچ نمیدانم معنای این عبارت چیست؟! کدام آب است که محتاج الیه بلدیها نیست؟ دیگر آبی باقی نمیداند من نمیدانم تمام آنها که محتاج الیه بلدیها است دیگر آبی برای مالکین باقی نمیداند! هیچ صاحب ملکی دارای آبی نمیشود. ماسلب مالکیت که نمیتوانیم بکنیم در دنیا هم نخواهد شد. این عبارتها بکسی کار را مشوش نمیکند. و این یکی از عبارتهایی است که خیلی مبهم است و بواسطه ابهامی که دارد مورد سوء استفاده واقع میشود....
مخبر - بس است.

آقا سید یعقوب - در کمیسیون که گوش بچرفهاتم نمیدهید اینجا ناچارم عرض کنم. و همینطور عبارت بتوسط بلدیها مورد استعمال واقع میشوند. خودتان تصدیق میفرمائید. اولاً مستثنی باید داخل در مستثنی منه باشد بعد به قید خارجش کنند. اگر يك چیزی از اول داخل نبوده محتاج نیستیم. چرا بگوئیم داخل است که بعد خارجش کنیم. آبهای قنوات مردم اصلاً مال دولت نبوده است. دولت میبرد اجاره میکند یا به ترتیبی که مطابق قانون مملکتی است از آنها استفاده میکند. این داخل در مستثنی منه نبوده، داخل در ملک خالصه و ملک دولت نبوده که ما حالا خارج کنیم. اصلاً گمان نمیکم این عبارت صحیح باشد. برای اینکه داخل در این نیست که بیائیم بموجب ماده

بنده بکنند که این کلمات را بر داریم و يك کلمات صریحی که دولت تواند ارزش سوء استفاده بکند و حدود دولت را معین بکند بجایش بگذاریم و الا بنده با این کلمات مطلق مخالفم. مثلاً معین کنند که این چند رود خانه مال دولت است و الا رودخانه زیاد است و همچنین راجع بسایر مخازن و منابع طبیعی آب اینها را هم معین بکنند. بنده این عبارت را نمی فهمم. بنده نماینده این ملت هستم خودم جاهل آنها هم جاهل امانتاً باید يك چیزی را بفهمم که دولت تواند سوء استفاده بکند؟ این راجع به جزء اول ماده پنج.

جزء دوم: حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدیها بوده و بابتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند. حالا بنده با اینکه بینی و بین الله بك حسن ظنی به بلدیة طهران و رئیس بلدیها دارم که يك حسن خدمتی دارد خیابان درست میکند، کار میکند، حقیقة يك تکالیف داده است و من از عملیات او ممنونم ولی من نمیتوانم همیشه باین عبارت قانع بشوم و این قانون از مجلس بگذرد برای اینکه مأمورین دولتی سوء استفاده از عبارات مطلق خواهند کرد و اسباب زحمت مردم میشود. چطور؟ نوشته است. حقوق دولت در قنوات یا جاهای دیگر. خوب دولت میگوید مگر ما قانون نگذارندیم که باید از آب صدی سه و نیم بدهید و میگوید خوب من که حق دارم مالیات بگیرم از قنوات، پس در قنوات حقوق دارم باین جهت تمام قنوات مال دولت است. پس باید معین شود که کدام قنات مال دولت است و از پول خزانه دولت احداث شده و خالصه دولت است. والا اینکه اینجا نوشته حقوق دولت. دولت میگوید چون من مالیات میگیرم پس این حق من است و وقتی که حق دولت شد اسباب زحمت تولید میکند. بنا بر این این عبارت که نوشته حقوق دولت مطلق و مبهم است و بیم آن میرود که کم کم اینطور تصور شود که دولت در تمام قنوات

پنج خارجش کنیم باین جهت بنده جداً مخالفم. و همینطور نسبت باملاک خالصه و سرحدات و سواحل و بنادر آقای مدرس و آقای کازرونی بیاناتی فرمودند آقای مخبر مبرز هم با آن مبرزی که دارند يك جوابهایی دادند لکن بنده باز هم مخالفم. چرا؟ درست است قبول دارم، انشاء الله بعد از این دولتهائی میآیند و خواهند آمد که اطراف مملکت را کاملاً يك سد آهنی خواهند کشید و يك قدم راه نمیکذارند که قشون خارجی وارد شود، انشاء الله. ولی اینرا تصدیق کنید. عقیده بنده این است که مالکین خصوصی حفظ مال خصوصی خودشانرا بهتر از دولت میکنند. بنده خودم در صورتیکه میگویم خیلی عقیده بوطن دارم ولی در عین حال نسبت بخانه خودم بامملکت عقیده من این است که خانه خودم را بیشتر دوست دارم. این است. شما میائید بحسب این عبارت تمام سواحل و جاهارا میگوئید مال دولت است یعنی اگر در يك جائی از اینها يك علاقه باشد باز عنوان خالصه درش میگذارید در صورتیکه عقیده بنده این است که در تمام آنها هر جا مالک شخصی داشته باشد (چون يك قانونی هم در دوره های سابق داشتیم که ملک را نباید به نفعه خارج فروخت) وقتی که ما این قانون را داریم اگر تمام این سواحل را بدهند باشخاصی که در آنها کار میکنند البته خوب کار میکنند و بهتر از کارگذاران ما که در خارج هستند کار میکنند چرا بعلمت اینکه مالکیت خصوصی دارند. این را شما میائید در تحت مالکیت و نظر دولت قرار میگذارید بنده عقیده ندارم. و عقیده ام این است فرد فرد ما که مالکیت خصوصی پیدا کردیم بطریق اولی در حفظ منافع آن بهتر از دولت ولو خیلی هم قوی باشد میکوشیم بنا بر این با این عبارت هم مخالفم. و يك عرایض دیگری هم دارم که باز در موقعش عرض میکنم.

بعضی از نمایندگان - احسنت. احسنت.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای آقا سید یعقوب که این فرمایشات را میفرمایند در صورتیکه در کمیسیون تشریف داشتند و این قضا با کاملاً مباحثه و مذاکره شده است. عبارت اول ماده پنج جواب خودشان را میدهد. اول ماده این است: املاک خالصه ذیل مشمول مقررات این قانون نخواهد بود. املاک خالصه را هم در ماده اول تشخیص داده. شور اول هم شده معین شده که اینقانون چه چیز را در این مملکت خالصه میدانند وقتی شما به ماده اول رأی دادید و مسلم شد که خالصه چیست. آنوقت از میان آن خالصه ها این جور چیزها مستثنی است نظر بیک مصلحتی. دیگر قسمت مالکیت خصوصی و عمومی و این حرفها در بین نبود. فرمودید: حقوق دولت در رودخانههای عمومی دریاچه ها و سایر مخازن و منابع طبیعی آب - چرا اینجا نوشته شده؟ یعنی شما میفرمائید فرضاً رودخانه کارون را دولت بفروشد؟! رودخانههای عمومی البته مال دولت است و نباید فروخته شود. مخازن طبیعی آب، فرضاً دریاچه حوض سلطان و اینها را دولت بفروشد؟! بنده خیال نمیکم قضیه ابهامی داشته باشد. آن چیزهایی که شرعاً جزو مشترکات عامه است و مالک خاصی ندارد وزارت فوائد عامه از نقطه نظر عمومی و عمرانی در آنها مداخله میکند. فرمودند که حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها. از فراز دوم ماده پنجم و آنوقت تفسیر کردند حقوق دولت را صدی سه و نیم. خیلی جای تعجب است!! ربطی باین موضوع ندارد. حقوق دولت در قنوات بسایر مجاری آنها، مربوط بصدی سه و نیم که دولت باید مالیات بگیرد نیست. خیلی از مجاری آنها هست که دولت در آنها شریک است ممکن است بکوقت مورد احتیاج دولت واقع بشود و بفروشد.

همین امتیازی که يك نفر راجع برودخانه فاروب رمان نیشابور درخواست کرده - رودخانه های نیشابور

نمرات مرتب در نظر میگیرند و بالاخره مسئله جنگل يك موضوع کوچکی نیست مثلاً جنگل های کنار ساحل دریای خزر همه اش مال مالکین قراء است که در اواسط جنگل واقع شده اند؟! ما اینجا قید کردیم که اراضی جنگل های دولتی باستثنای جنگلهائی که متعلق به مزارع خالصه است فروخته نشود این استثناء از استثناء است چون گفتیم املاك خالصه دولتی فروخته شود حالا این جا استثناء می کنیم و می گوئیم جنگل های دولتی فروخته نشود باستثناء اراضی جنگل هائی که در حوالی مزارع خالصه است یعنی آن مزارع خالصه را اجازه می دهند فروخته شود و آن جنگل ها هم که متعلق بان مزارع است فروخته شود. این پرواضح است که اراضی که زارعین دارند و جنگل نزدیکش است آن جنگل متعلق بمالکین است و این کلیه يك میزان و ملاکی است برای جنگل هائی که نزدیک مزارع است. در هر حال باز بنده عقیده دارم که اگر آقایان يك نظریاتی دارند در ضمن يك پیشنهاد هائی بدهند می آید به کمیسیون و تحت شور قرار می گیرد و باز در شور ثانی میتوانند مطالعه بکنند و البته هر طوری صلاح بدانند تصویب و عمل میشود.

مخبر - آقای آقا سید یعقوب خودشان میدانند که بنده در این مسائل اگر بگویم از ایشان بیشتر نباشد کمتر نیست و اصلاحاتی که در اینجا شده نظرم هست که یکی دو فقره به پیشنهاد خود بنده بود. در ماده اول هم يك تبصره بنده پیشنهاد کردم که اگر نظرشان باشد تمام این توهمات را از بین میبرد و آنجا تعریف خالصه را کرده ایم و گفته ایم که خالصه اساساً چیست که دولت بعنوان خالصه این فرمایشاتی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند اجرا نکنند و این جا عین عبارت را میخوانم و تصور نمیکنم هیچ مخالفتی در مقابل این لایحه بشود: (خالصه دولت اولاً بمالک اطلاق میشود که از اول مشروطیت تا کنون در تصرف دولت بوده

زیاد است ممکن است يك روزی مورد استفاده شهر نیشابور بشود مثلاً برای چراغ برق یا سایر چیزها دولت مجاز نباشد بفروشد و برای استفاده عمومی بگذارد اما راجع باراضی جنگل: اراضی جنگل اگر چه همانطور که فرمودید قانونی برای آن وضع نشده و دولت با مامورین دولت هم ممکن است يك تجاوزات و تعدیاتی نسبت به مالکین مزارع و قراء جنگل بکنند ولی اینطور هم که جناب عالی بیان فرمودید که بالاخره هر کس برود بکس قسمتی از جنگل را تصرف کند و آن چوبهائی قیمتی و آن چوبهائی که حتی برای خط آهن لازم است بسوزاند یا بتراشد و بفروشد نباید باشد! مثل اینکه يك قسمت از سمت جنوبی همین جبال البرز که سابقاً جنگل داشته بتدریج اهالی این حدود زاشیده اند و اصلاً جنگل از بین رفته. ابر که يك دهی است در هفت فرسخی شاهرود که جنگل داشته و مطابق اطلاعاتی که بنده پیدا کرده ام چندین فرسخ جنگل را سوزانده اند و ذغال کرده اند و آثاری از جنگل نیست و آن چوبهائی قیمتی را از بین برده اند. فردا که می خواهیم راه آهن بکشیم باید چوب از خارجه بیاوریم؟ اینطور اجازه ندهید که دولت نظارتش را بکلی از جنگل ها سلب کند و باختیار مالکین قرار بدهد که هر طور میخواهند رفتار کنند. بعلاوه تا يك حدودی هم هست در اطراف آن مزارع که در اختیار صاحبان مزارع است و گاهی جنگل را آتش میزنند بدون اینکه بدانند این چوب هائی قیمتی است یا نه برای اینکه میخواهند در آن اراضی زراعت کنند ولی در هر حال نظارت دولت در آن قسمتها هم لازم است. آن قسمتی را که صاحبان مزارع می خواهند آتش بزنند برای زراعت آن جا هم باید تحت نظر دولت باشد و اینها يك چیزهائی است که نظارت دولت را لازم دارد در هر نقطه يك نظر خاصی باراضی جنگل دارند و جنگل را با يك تنظیماتی اداره می کنند و اینچنین را تحت

و از آنجا بهره برداشته باشد) این راجع بمالک است که طرف گفتگو و منازعه بین دولت و مردم هم نبوده (ثانیاً املاکی که بموجب حکم محاکم قانونی صالحه خالصه بودن آنها محرز بشود) اینهم راجع بمخالصجاتی است که طرف دعوی مردم است و تا حکم خالصه در دست دولت نباشد نمیتوانند ادعای خالصه بکنند. آقای آقا سید یعقوب مثلاً میفرمایند قنات مردم را میگیرند! اولاً دولت را هم باید اینجا برای آقای آقا سید یعقوب تعریف کنیم که دولت کیست؟ دولت عبارتست از مجلس شورای ملی که نماینده قاطبه اهالی مملکت است که از طرف خودش هشت نفر را بعنوان حکومت تعیین میکند که تنظیمات مملکت را اداره کند. آقا: دولت این است. دولت عبارت از يك دولت خارجی نیست که ما همه اش اینجا حمله بدولت بکنیم (دولت مطلق را عرض میکنم) شما با يك فرد از دولت هر کاری میخواهید بکنید ولی مطلق دولت یعنی دولتی که نماینده خود ما است و مال خود ما است و طرف اعتماد خود ما است ما این دولت را مثل يك دزد طرف حمله قرار بدهیم این خیلی غلط است اگر یکی از افراد حکومت از یکی از وظائف خودش نخطی بکند راه سؤال و استیضاح برای مجلس شورای ملی که نماینده مردم است هست و بالاخره دولت عبارت از نماینده اهالی و مردم است و ما که میگوئیم اگر يك مالکی در تصرف آن دولتی است که نماینده ما است آنها را باید دومرتبه بملک ایران واگذار کنند که يك عده از افراد آنها را آباد بکنند مقصود همان مسائلی است که میگوئید. مقصود ما این است که همان خالصه هائی که می گوئید در این مملکت کم شود و در نتیجه واگذاری خالصه مردم تجاوزات و تعدیات مامورین هم که از طرف دولت به ولایات میروند کم شود. و حتی الامکان تصرفات دولت در املاك کم شود و رو بهمرفته يك پولی هم پیدا کنیم که بانک را بتوانیم تاسیس کنیم و بالاخره لفظ

خالصه کم کم منسوخ شود و از این حیث مردم راحت شوند که از طرفی هم يك قسمت مملکت آباد شود و هم يك پولی برای تاسیس بانک درست شود. ما اگر نخواهیم يك قانون باین مهمی را این قدر درش صحبت کنیم گمان می کنیم برای قیامت هم نکند. میفرمایند رودخانه عمومی کدام است؟ رودخانه عمومی در مقابل رودخانه خصوصی است. در ماده اول تصریح کرده است که آنچه در تصرف دولت است مال دولت است و آنچه در تصرف مردم است مال مردم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس - کسی موافق هست با کفایت مذاکرات توضیح بدهد.

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - عرضی ندارم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم بنده صحبت کوچکی داشتم بعد در طی مذاکرات سبب شد در موضوعی که بحث شده حرف بزنیم. آن صحبت کوچکی که داشتم راجع بفرمایش آقای مدرس بود که فرمودند سواحل و سرحدات را نباید استثناء کرد و استدلالانی داشتند ولی يك چیزی مخدرف ماند که آقای آقا سید یعقوب بطور اجمال فرمودند و بنده میخواهم بطور تفصیل تذکر بدهم و آن این است که اینها را یکی میخواهند بفروشند؟ اینها را بانواع ایران میفروشند بانواع ایران وقتیکه در سرحدات مملکتشان هستند که جای نگرانی نیست. دولت هم هر وقت منافع عمومی اقتضا کند می تواند در تمام این نقاط مداخلات بکند. این معهود است و اشکالی ندارد در این صورت چرا باید محروم کرد؟ مثلاً بنده با آقای جمشیدی مذاکره میکردم که اگر اینطور باشد خالصجات ما زاندران باید بکلی در اینجا

مستثنی باشد برای اینکه تمامشان از يك طرف به دریا متصل می شوند همین طور کیلان . در صورتیکه این طور نیست حالا می خواهید قدری بیشتر احتیاط کنید؟ با قید اینکه بانواع داخله فروخته شود بنویسند حق انتقال بخارجی هم نداشته باشد . زیرا عهود هم اجازه نمی دهد . چرا به اتباع داخله فروخته نشود؟ و آن چیزی که آقای شیروانی فرمودند که در سیستان فلان است بنده خیال می کنم نظارت اهالی در خانه شان اشد از نظارت دولت است برای خاطر اینکه دولت چه می کند دولت در ملك خالصه اش يك تحصیلدار دارد و يك مامور . بیش از این که ندارد . اردو که ندارد ولی این مالک خصوصی سرحدی خیلی بیشتر مراقب است و اگر يك سانحه رخ بدهد دو مدافع پیدا میشود . یکی مالک خصوصی که از نقطه نظر خصوصی خانه خودش دفاع میکند و یکی هم دولت که از نقطه نظر عمومیات ضمیمه میشود و این دو فایده دارد و اما مسئله که مشروحاً میخواستم عرض کنم و راجع بدفاع محلی است و بنده وظیفه ام است که دفاع کنم مسئله جنگل است . اینجا مذاکره شده که جنگل بالاخره مال دولت است و از قله کوه تا ساحل تمام مال دولت است . در صورتیکه نمیشود این را گفت و اگر بکنفری برود مازندران و کیلان گردش بکند این توهم ارزش مرتفع میشود . یعنی ملك کیلان و جنگل اینها از هم مجزا نیست . خانه ها در داخل جنگل واقع است و مردم در آنجا سکونت دارند قبلاً شخص يك سهم و يك حقی دارد که از پدرش باورسیده یا خودش خریده باز جدهش باورسیده و حالا مالک است حالا يك چیزی بهتان عرض کنم که خود شما بدانید که اقرار بهترین شقوق شناسائی يك چیزی است مخصوصاً وقتی که آن اقرار به منفعت غیر باشد . دولت مالیات میگیرد و قبض صادر میکند و از مزارع و مراتع و جنگل عشور می گیرد . این اقرار صریح است به مالکیت مالکین و بنده بهتان يك چیزی عرض میکنم

و این مطلب قابل توجه است و این باید برای مجلس شورای ملی مأمود باشد اعلان استثناء جنگل از اهالی مازندران و کیلان نفی سکونت آنها است در این دو نقطه . آن ملک که آنجا مشهور است همین جنگل است برای اینکه آنها چیزی ندارند جز همان چیزی که بان اشاره میکنید و میگوئید ملك و آن همین جنگل است . حالا این اگر مشکوک است باید بروی فكر دیگری بکنند این مسئله کم کم گفته میشود و کم کم اشتباه میشود . يك وقتی مثلاً در شاهرود فرض بفرمائید يك ملكی است مجاور جنگل این يك مطلب علیحده است ممکن است مجاور جنگل باشد ولی مالک جنگل نباشد ولی در مازندران و کیلان این طور نیست و این فرض در آنجا نیست آنجا عبارت است از چند درخت که اگر آقایان تشریف برده باشند میدانند که هر قسمتی از قطعات مازندران یا کیلان را که دو سال یا سه سال مراقبت نکنند جنگل میشود . حتی در حمامهایی که از آهک و ساروج میسازند با اهمال دو سه سال درخت از آن بیرون میآید . خوب اطلاق جنگل هم شما بجائی میکنید که درخت دارد پس حمام آنجا هم خالصه است و این کم کم نفی مالکیت اشخاص را میکند و این يك ضرری در بر دارد . آن چیزی را هم که آقای شیروانی گفتند قبول داریم که میفرمایند دولت از خود ما است و خارجه نیست و از ما مجزی نیست ولی يك مصلحت بزرگی فوت میشود و آن مصلحت این است که وقتی شخصی دانست که بملك خودش مسلط نیست البته درست در آنجا کار نمیکند . الان اگر این قطعات و املاک آباد و عمران میشد ما خالصجات را چرا میفروختیم؟ ما این خالصجات را بر روی چه منطقی می فروشیم؟ روی این منطق میفروشیم که دولت مثل مالک خصوصی حفاظت از مزرعه خودش نمی کند و این بالاخره نقض غرضی است برای اینکه شما میگوئید باز دولت در آنجا مداخله کند و بنظر بنده انتشار این مسئله مضر است . بنده يك روزی این جا در موضوع

خالصجات عرض کردم اگر تشریف ببرید در مازندران و از نقاط مختلفه آن عبور بفرمائید می بینید که يك ملک که مشکوک نیست صاحبش پولی که گیر می آورد صرف تعمیر و آبادی آن میکند و در خود آن ملك خرج میکند اما اسم خاصه را که رویش میکشند متوهم است و چند تومانی که در جیبش دارند روی این مزرعه خرج نمی کند و میرود يك چیز دیگر میخرد و منظورش این است که چون ماهون نیست از ملك خودش از این جهت در صدد آبادی و عمران آن بر نیاید . این كله جنگل و این مزاحمت خانه مردم سبب میشود که مردم بیعلاقه میشوند و اسباب خرابی مملکت میشوند و الان بنده عرض میکنم دولت هر وقتی ضرورت داشته باشد و هر وقت مصالح مملکتی امر بکنند که دولت در يك قضایائی دخالت بکند میتواند و بالاخره دولت برآورنده حوائج ملت است و البته مداخله میکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دشتی - بنده مخالفم

رئیس - راجع بعدم کفایت مذاکرات؟

دشتی - بلی

رئیس - بفرمائید

دشتی - بیاناتی که آقای دادگر کردند محتاج

بجواب است برای اینکه استثنائاتی توجیه کردند لهذا

بنده عقیده ام این است که باید جواب داده شود

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات .

آقابانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است

بعضی از نمایندگان تنفس

رئیس - پیشنهادها باید قرائت شود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم ماده پنجم حذف شود
پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد میکنم از ماده پنجم فقره پنجم حذف شود
ایضاً پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد میکنم باخرفقره اول از ماده پنجم اضافه شود (که در املاک خالصه واقع است)
پیشنهاد آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنجم در آخر قسمت ششم اضافه شود در هر بلوک يك الی دوقریه .
ایضاً پیشنهاد آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم قسمت هفتم ماده پنجم حذف شود.
ایضاً پیشنهاد آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم در آخر قسمت هفتم از ماده پنجم اضافه شود که قبل از تصویب این قانون وزارت مالیه معین خواهد نمود -
پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا: پیشنهاد میدارم فقره پنج از ماده پنج حذف شود.
پیشنهاد آقای امیر تیمور: بنده قسمت (ز) ماده پنجم و يك قسمت از مندرجات ماده مزبور را زائد دانسته لذا ماده پنجم را بطریق ذیل تنظیم و پیشنهاد میکنم .
ماده پنجم - املاک ذیل دولت مشمول مقررات این قانون نخواهد بود .
(ا) - حقوق دولت در دریاچه های عمومی و سایر مخازن و منابع طبیعی آب
(ب) - حقوق دولت در قدرتات و سایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدی ها بوده و یا بتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند .
(ج) - اراضی جنگل های دولتی باستثناء جنگل هائی که متعلق بزارع خالصه است .
(د) - اراضی که در آنها وجود ذخائر معدنی نفیسه مسلم است

(ه) - کلیه املاک خالصه که ممکن است مستقیماً برای انجام مقاصد دولتی مورد احتیاج واقع شوند.
(و) - بناها و آثار تاریخی و کاروانسراهایی که در راهها برای استفاده عابرین ساخته شده.

امیر تیمور - بنده پیشنهاد تکرارم

رئیس - پیشنهادی است که در سابق در دوره ماه قبل کرده اید.

امیر تیمور - بله

(بقیه پیشنهادات بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دیبا: اصلاح فقره اول را بترتیب ذیل تقاضا دارم:

رودخانه ها دریاچه ها و سایر مخازن و منابع طبیعی آب در صورتیکه متعلق باشخاص نباشند

پیشنهاد دیگر آقای دیبا: اصلاح فقره دوم را بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم:

قنوات دولتی و مجاری آب که متعلق بدولت است. ایضاً پیشنهاد دیگر آقای دیبا: پیشنهاد مینمایم فقره چهارم بترتیب ذیل نوشته شود:

اراضی دولتی که در آنها وجود ذخائر معدنی نفیسه مسلم است

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا: فقره (ب) را چنین پیشنهاد میدارم

هم متصرفی دولت از قنوات که آبهای آنها محتاج الیه بلدیة باشند

پیشنهاد آقای حائری زاده: بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل ضمیمه ماده پنجم گردد:

تبصره - دولت مالکیت مطلق کلیه معادن و منابع معدنی املاکی را که مطابق این قانون انتقال میدهد برای خود حفظ خواهد نمود ولی هر موقع استخراج این قبیل معادن یا منابع معدنی یا استفاده از آن مورد لزوم باشد هرگونه خسارتی را که بمملک وارد شود همچنین قیمت هر مقدار زمین و هر قسم انشائاتی که از ملک مزبور برای این

مقصد تخصیص داده شود نسبت بمالك جنبران خواهد نمود میزان جنبران ضرر بتراضی طرفین و در صورت عدم رضای بحکمیت تعیین خواهد شد

پیشنهاد آقای نظامی: این بنده تبصره ذیل را برای توضیح قسمت اول از ماده پنجم پیشنهاد مینماید

تبصره - مقصود از رودخانههای عمومی رودخانه هایی است که از طرف دولت و اهالی محل استفاده خصوصی از آنها نمیشود.

پیشنهاد دیگر آقای نظامی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ششم در عوض مدت ده سال نوشته شود دوازده سال.

پیشنهاد آقای محمود رضا: بنده پیشنهاد مینمایم بجای (املاک خالصه و اراضی متصل بسرحداث) نوشته شود (املاک خالصه سرحدی یا سواحل یا بنادر)

پیشنهاد آقای امیر حسین خان: بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنجم قسمت (ج) حذف شود

پیشنهاد آقای فیروز آبادی: بنده بمنوان تبصره پیشنهاد میکنم که نوشته شود چنانچه خالصجاتی را که دولت میفروشد بموجب این قانون محل احتیاج سیاسی و با اقتصادی شدید دولت بشود مالك آن مجبور میباشد که هر قدر آن محل احتیاج دولت باشد بقیمت عادلانه بدولت بفروشد.

پیشنهاد آقای عبادی: بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجم بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای امیر تیمور: بنده پیشنهاد میکنم که از ماده پنجم قسمت الف و ه حذف شود

رئیس - چند دقیقه جلسه تعطیل میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر مالیه - در این موقع که لایحه دو دوازدهم را تقدیم مجلس میکنم میخواهم يك تذکری عرض کرده باشم واستدعائی کرده باشم: آقایان مسبقاً که در

کمیسیون بودجه قسمت عمده بودجه ها گذشته و حاضر شده است از قبیل بودجه وزارت فواید عامه و پست و تلگراف و معارف و داخله یعنی لوائج اضافی یا خود بودجه ها. بودجه وزارت عدلیه هم بطور دیگری گذشته است فقط وزارت خارجه لایحه اضافیش هنوز تمام نشده میخواستم تقاضا کنم اگر آقایان موافقت دارند اینها همینطور قسمت قسمت که تمام میشود برور برای تصویب بمجلس بیاید و تصویب شود زیرا اگر بخوانند صبر کنند که همه تمام شود باز شاید يك مدتی عقب بیفتد در صورتیکه هر قسمت از آنها چند جلسه را مشغول خواهد داشت چون بودجه جزء و تفصیلی است و البته در مجلس طول خواهد کشید خواستم تقاضا کنم اگر آقایان موافق هستند از طرف کمیسیون بودجه قسمت قسمت این بودجه ها بمجلس بیاید و در مجلس تصویب شود.

(لایحه اعتبار دو دوازدهم بودجه مملکتی را تسلیم نمودند)

رئیس - لایحه ارسال میشود به کمیسیون بودجه. آقای زوار مخالفت خودشانرا نسبت بانتخابات سیرجان پس گرفته اند

حائری زاده - بنده مخالفم

اسفندیاری - بنده هم مخالفم

رئیس - چون آقای حائری زاده مخالفند اینطور که قبلاً گفته شد میباید برای جلسه بعد

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم و قبل از ایشان اجازه خواسته ام

رئیس - بسیار خوب هر دو مخالفید. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده بحسب سابقه عرض میکنم در اعتبار نامه که یک نفر مخالفت میکرد و مخالفت خودش را پس میگرفت سابقه ندارد که کسی در همان جلسه مخالفت بکند عقب بیفتد. عبارت نظامنامه این است که اگر اعتبارنامه مطرح واقع شد یک نفر از نماینده ها مخالفت کرد به بعد می افتد. آقای زوار مخالفت کردند و عقب

افتاد حالا پس گرفتند سابقه نداشته که دیگر همان روز عده مخالفت کنند و عقب بیفتد و اگر این سابقه هم نخورده است عقیده ندارم مخالفت کردن آقای حائری زاده و آقای اسفندیاری و آقای حاج میرزا مرتضی موضوع ناخیر داشته باشد حالا اختیار با مجلس است این را برای تذکر خواستم عرض کنم.

رئیس - آقای وزیر مالیه برای جواب بعضی سؤالات حاضرند. آقای کارزونی

کارزونی - دولت موظف و مکلف است قانونی را که مجلس شورای ملی وضع کرد بموقع اجرا بگذارد و اگر چنانچه يك نظریاتی در حدود آن قانون داشته باشد این هیچ مانع این نیست که آن قانون را بموقع اجرا بگذارد یعنی آن نظریات نازه که برای دولت پیش آمده ابدأ اثر ندارد در اجرای آن قانون که مجلس مقدس وضع کرده و دولت را مکلف باجراش کرده است سؤال بنده راجع بممیزی بود.

بنده از سایر ولايات و نقاط مملکت اطلاع ندارم عرض بنده راجع بفارس است و مخصوصاً در قسمت دشتی و دشتستان و بنادر و سواحل خلیج فارس راجع بممیزی که از مجلس مقدس گذشته ضرب الاجل کرده که در مدت معین منتهی بایستی عمل ممیزی را بنامم رسانید و این يك وظیفه حتمی بود برای دولت. بنده نمیتوانم در این مدت

منمادی که گذشته دولت عملیات خودش را خاتمه داده است که پنج شش ماه دیگر که از مدت آن قانون باقی

است صوت آنرا بمجلس مقدس تقدیم کند تا اینکه خودش برطبق ممیزی عمل بکند یا خیر؟ و اگر نکرده

آیا اطمینان کامل میدهد که در این مدت باقی مانده عمل ممیزی را تمام بکند یا نه؟ و اگر تمام نمیکند چه

دلیل دارد و منظورش چیست؟ با اینسکه مقبل شده و مکلف بوده که وجوباً این قانون را در مدت دو سال

کاملاً بموقع اجرا بگذارد به چه دلیل و چرا ناخیر انداختید؟ این عرض بنده است.

وزیر مالیه - در مقدمه فرمایشاتشان نماینده محترم

اظهار فرمودند دولت مکلف با اجرای قانون مصوبه مجلس و اگر هم يك نظر بانی دارد قبل از آنکه آن نظریات از طرف مجلس تصدیق شود نباید آنها را بموقع عمل بگذارد البته همینطور است و این يك اصل مسلمی است دولت هم بغیر از این هیچ کاری نکرده و ابدأ تصمیمی غیر از این نداشته و ندارد و بنده نمیدانم اصل موضوع این اظهار چـرا و از چه رو پیش آمده : شاید این نظر نماینده محترم مبنی بر يك سوء تفاهمی باشد که در خارج هم شنیده شد که تصور کرده اند بواسطه تغییر و تبدیل دستجات ممیزین از نقاطی به نقاط دیگر وزارت مالیه صرف نظر از ممیزی کرده است و میخواهد ممیزی را موقوف بکند . در صورتیکه همچو چیزی نیست و برای این شبهه و سوء تفاهم هم اعلانی از طرف وزارت مالیه بجزاید و مطبوعات فرستاده شده اخیراً ولی چون جراید امروز و دیروز را بنسده ندیده ام نمیدانم چاپ شده و باطلاع آقایان رسیده یا خیر . . .

مهدوی - نشده .

وزیر مالیه - اینجا هم برای استحضار خاطر آقایان مطلب را توضیحاً عرض میکنم .

در قانون مالیات ممیزی املاک موعدی که معین شده است تا آخر هزار و سیصد و شش است در این سنه ۱۳۰۵ که ممیزی در جریان بوده يك نجر بیانی در ضمن ممیزی خود وزارت مالیه پیدا کرده و يك شکایاتی هم از مردم رسیده و تحقیقاتی در آن شکایات بعمل آمده . قضیه ممیزی البته آقایان تصدیق میفرمایند که يك امر فنی است ، يك کار مشکلی است ، هر کس با هر محاسبی با هر عضو اداره یا مستخدم اداره ممیز و ممیز کننده نمیتواند واقع شود . دستجات زیادی برای ممیزی از مالیه معین کرده بودند و بنقاط مختلفه به مملکت تقسیم کرده بودند و در ۱۳۰۵ هم قسمت زیادی از املاک بوسیله این دستجات ممیزی شده و در ضمن عمل يك شکایاتی از يك نقاطی می رسید که نسبت بعمل این ممیزین

تقدیم مجلس نکند و مجلس تصویب نکند هیچ زلزلی در اجرای قانون مصوب مجلس موجود نخواهد شد .

کازرونی - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده اولاً در ماهیت قانون هیچ نمیخواهم وارد شوم و همچنین در طرز عملیات وزارت مالیه . بنده حق ندارم وارد شوم که بگویم شما چه کرده اید و چه خواهید کرد . بنده فقط چیزی که میخواهم از وزارت مالیه این است که بر طبق مسؤلیتی که دارند در رأس این مدت ایران را ممیزی شده بما تحویل بدهند . بنده این را می خواهم . خودشان می دانند . هر طور می خواهند عمل کنند . لکن اطمینان بدهند که بر طبق قانون یعنی بحکم قانون عمل را تمام شده تحویل خواهیم داد .

وزیر مالیه - این اطمینانی که آقای کازرونی میخواهند محتاج باین است که بنده مراجعه کنم و از روی صورت معلوم کنم که در عرض این یکسال که ممیزی شده به چه تناسب از نقاط مملکت ممیزی شده که فعلاً ما بتوانیم حساب کنیم برای یکسال دیگر که از این مدت باقی مانده در این مدت باین تناسب تمام میشود یا تجدید مدت لازم خواهد شد . این را در صورت سؤال توضیح نداده بودند و الا بنده مراجعه میکردم بدوسیه و از روی اطلاع جواب میدادم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم در همین موضوع

سؤال دارند ؟

آقا سید یعقوب - يك جور دیگری است سؤال بنده در همین موضوع است اما غیر از آن است . این سؤال و جوابی که بین آقای کازرونی و آقای وزیر واقع شد بنده از يك راه دیگر سؤال دارم بنده آنچه که اطلاع دارم ترك کردن عملیات ممیزی از این نقطه نظر نبوده است که ایشان بیان کردند . ترك کردن عمل ممیزی

برای این بوده است که در بعضی جاها نگاه کرده اند و دیده اند بنفع دولت است بر طبق ممیزی عمل کرده اند و در بعضی جاها که دیده اند بضرر دولت است آنجا را ول کرده اند . بنده سؤال میکنم که تو من ببعض و تکفیر ببعض نباید وزارت مالیه کار بکند . هر کجا يك دهانی بوده است که مالیات نداشته است و جدید الاحداث است مطابق ممیزی رفته اند . يك جاهائی است که در نتیجه ممیزی زمان عباس میرزا تقی خان امیر انابك يك مالیاتهای در آنجا هست و بعد بواسطه انقلابات آن رعایا از آنجا رفته اند جای دیگر ایجاد ده کرده اند دولت رفته آن مالیات را از آن ده که خراب است میگیرند . آقای حاج آقا اسمعیل میدانند در عراق خیلی ده هست شهرستان و شهرستانك است که بکلی خراب شده و از آنجا مالیات میگیرند در صورتیکه رعایای آنجا رفته اند جایی دیگر و مامورین مالیه میگویند چون آنجا يك زمانی آباد بوده از این جهت باید مالیات بدهد ولی اگر يك جائی برای دولت صرفه نداشته آنجا را رد کرده اند و ممیزی نکرده اند بنده خواستم در این باب آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چطور در آنجا هائی که به نفع دولت تمام میشود ممیزی میکنند و آنجا هائی که به نفع دولت نیست نمی کنند ؟

اگر چه مقصود از نفع دولت هم در اینجا نفع ملت است و برای آسودگی مردم است و نظر ما هم به آسایش و راحتی مردم و ملت است . خوب است آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چرا این تبعیض در موقع ممیزی شده و علت چیست ؟ بنده کاملاً خیر دارم در طرف ملایر يك مالیاتهای زیادی از مردم میگیرند . خلاصه آنکه در يك جاهائی که به نفع دولت است ممیزی میکنند و آنجا که به نفع دولت نیست ممیزی نمیکنند و آنجا را ول میکنند اگر دولت این قانون را نمیتواند اجرا کند خوب است بیاید و رسماً لغو او را به مجلس پیشنهاد

کند و الا باید بطور مساوی در همه جا اجرا کند. آقای وزیر مالیه در مجلس پنجم حاضر بودند و مکرر در اینجا گفته میشد که مقصود ما از وضع این قانون زیاد کردن عایدات دولت نیست بلکه نظر همه آقایان این بود که مالیاتها بك اسق بشود و از روی يك قاعده و ترتیب اساسی اخذ شود.

خوبست آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که چرا در ممیزی تبعیض میشود. این بود سؤال بنده وزیر مالیه - ما وقتی که قانون می نویسیم تقاضا داریم که قانون هم اجرا شود. اگر يك وقتی در حین قانون گذاری در قانونی که میگذرانیم يك نواقصی باشد یا يك چیزهایی باشد که پیش بینی نشده باشد آنوقت در اجرای آن قانون که اصلش را قائل هستیم و همانطور که آقای کازرونی فرمودند دولت باید قانون را اجرا کند ولی در جزئیاتش میگوئیم چرا این طور شد.

آقای آقا سید یعقوب - تصدیق میفرمایند قانونی که از مجلس گذشت هیچ قید نکرده که اول باید این ممیزی را تمام بکنند بعد از آنکه ممیزی تمام شد آنوقت باید مطابق این قانون مالیات بگیرند. نه این قید در قانون نیست. در قانون دو سال برای مدت ممیزی وقت معین شده ولی مقرر نشده که مصرحاً تا وقتی که تمام ممیزی مملکت خاتمه نیافته باشد مطابق سابق عمل خواهد شد و قانون ممیزی پس از ختم تمام ممیزیها در مملکت اجرا میشود.

مدرس - نسبت بایالات و ولایات گویا شد. وزیر مالیه - اجازه میفرمایید همان طور که آقا قانون را مطالعه فرموده اند بنده هم مطالعه کرده ام هم در وقتی که این قانون را می نوشتید خودم در مجلس شریک بودم و هم بعد ملاحظه کرده ام باین ملاحظه وقتی که شروع به ممیزی کردند این مسئله از بدیهیات است و همه میدانیم که نمیشود يك مرتبه تمام مملکت وسیع ایران را ممیزی کرد. علی الخصوص با

اختلاف نظر بشود. علاوه بر این از نقطه نظر اداری هم يك دستور العمل هائی داده شده و يك اقداماتی در زمینه همین نظری که آقایان دارند شده و دستور صریح داده شده که هر جا که مالك یا خورده مالکی شکایت میکند که چرا مطابق ممیزی از من مالیات نمی گیرید اگر در آن ناحیه از سایر قسمت ها مطابق مالیات جدید مالیات میگیرند از آنها هم مطابق ممیزی جدید مالیات بگیرند. این دستور العمل ها هم از نقطه نظر اداری داده شده ولی انکار نباید کرد که هر قانونی در نتیجه عمل و تجربه باید تکمیل شود. این قانونی که گذشته نواقصی دارد و نه تنها این يك مورد که محل اختلاف نظر است بلکه يك نواقص دیگری هم دارد و وزارت مالیه يك مطالعاتی در این قانون کرده و يك نظریاتی اتخاذ نموده و از تجربیاتی که در این مدت از این قانون حاصل نموده يك پیشنهاداتی بمجلس خواهد کرد و البته هر طور آقایان تصدیق و تصویب فرمودند دولت هم عمل خواهد کرد ولی این مسئله را آقایان باید تصدیق بفرمایند که اگر اختلاف نظری در قانون پیدا شود آن اختلاف را باید از راه قانونی و اصلاح ماده رفع کرد.

در اینجا بنده موقع را مفتن میشم برای عرضیکه شاید حاشیه باشد. ولی در حال لازم است عرض کنم که وزارت مالیه البته مکلف است مالیاتها مطابق قانون مطالبه کند و بموجب قوانین اساسی و عادی و جاری و عادات و رسومات اختیار اینرا ندارد که خودش در يك قسمتهائی قضاوت کند و اگر چنانچه مسائلی را وارد دید اصلاح کند بامثالاً اگر نسبت به يك ایالت یا يك مردمی يك تخفیفاتی را جائز دید از گرفتن مالیات آنها صرف نظر کند

ناچار باید مراتب را بمجلس پیشنهاد کند و از مجلس تقاضای تخفیف مالیاتی را بکند اینرا هم عرض کنم البته آقایان تصدیق میفرمایند تمام مالیات هائی که در

این مملکت وضع شده تمام از روی يك اصول روشن و قوانین صحیح نیست يك جزء جمع های قدیمی داشته و مالیات افراد يك صورت هائی دانسته که امروزه بعضی از آنها بی مورد و شاید اسباب زحمت مردم است. ولی البته تا وقتی که مالیات ها بشکل صحیحی در نیامده و يك ترتیب اساسی اتخاذ نشده ناچاریم مطابق همین سابقه و معمول رفتار کنیم. در این قبیل موارد آقایان میفرمایند مردم گرفتار و دچار بدبختی و مضیقه هستند ممیذا مالیه مطالبه مالیات از آنها میکند البته اگر مالیه اضافه از حق قانونی مالیات بگیرد مردم باید شکایت کنند و دولت هم البته باید جلو گیری از اجحاف و تجاوز کند اما اگر در حدود قانون مالیات بگیرد نباید مورد شکایت واقع شود. و اگر اصلاحی لازم باشد باید در این جا بشود.

راجع باهالی شمال شرحی فرمودند. کیست که تصدیق ندارد؟ ما همه خودمان تصدیق داریم و با این فرمایشات موافقیم. و اطلاع داریم. فرمایشاتی هم که قبل از دستور در موقعی که بنده وارد شدم آقای رفیع میفرمودند البته صحیح است و همه مردم فقیر و بدبخت شده اند. هیچکس منکر این مراتب نیست و البته يك كك هائی باید بانها کرد. و دولت هم مضایقه ندارد که با آنها كك هائی بکند و البته هر جا را که مقتضی دید هیچ ضرری ندارد که بانها تخفیف بدهد یا مثلاً بکسال از آنها مالیات نگیرد ولی این باید مطابق مقررات قانون باشد. و وقتی که بموجب قانون شد مالیه هم تکلیف خودش را میداند و مورد اعتراض واقع نمیشود.

در خاتمه باز عرض میکنم راجع بقانون مالیات ارضی مطالعاتی را که آقای آقا سید یعقوب بآن اشاره فرمودند شده و در موقع خودش بعرض خواهد رسید.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمایید

رئیس - بفرمایید

آقا سید یعقوب - يك كله این جا آقای وزیر مالیه فرمودند که باید جواب عرض کنم. بهتر این است که آقای وزیر مالیه همیشه در مجلس باشند زیرا در قانونگذاری نظرشان بهتر است تا در موقع اجرا. زیرا وقتی که برای اجرای قوانین از مجلس تشریف میبرند بیرون آن روح قانون گذاری را ندارند. در اینجا میفرمایند فلان شکایت میشود بنده عرض میکنم آقا شما و ما همه مستخدم این مردم هستیم. چرا آنجا که به نفع دولت ممیزی میشود فوری مطابق ممیزی جدید مالیات میگیرید ولی آنجا که به نفع دولت نیست ول میکنید. و این جوابهایی که فرمودند بنده عرض میکنم اصلاً وزارت مالیه اداره ممیزی را در ایالات و ولایات منحل کرده این بود که بنده خواستم در اینجا این مطلب را عرض کنم.

وزیر مالیه - خیر اینطور نیست.

رئیس - آقای فهمی

یک نفر از نمایندگان - حاضر نیستند.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - موضوع سؤال را استدعا دارم بفرمائید. چون مدتی گذشته فراموش کرده ام.

رئیس - راجع به مطبوعات آذربایجان است.

محمد ولی میرزا - نظر آقایان هست که بنده سابقاً در خصوص تظلمی که صاحبان مطابع آذربایجان کرده بودند سؤال کرده بودم. مخصوصاً شکایت کرده بودند که وزارت مالیه حتی اوراق عادی (غیر از اوراق بهاء دار) را در مرکز طبع میکنند و از مرکز برای دوائر و ادارات دولتی آذربایجان ارسال میدارند. اعتراضی که بنده داشتم علاوه از نقطه نظر اقتصادی گمان میکنم هیچ وجه بصره وزارت مالیه نباشد که این کار را بکنند. زیرا از آذربایجان کاغذ به طهران حمل میشود. در این صورت هیچ فلسفه ندارد که در اینجا اوراق طبع شود و آذربایجان ارسال شود. در آن موقع وزیر مالیه وقت

اظهار فرمودند که چنین قضیه بوده ولی ممنوع شده است. و مخصوصاً فرمودند تلگراف شد. که در آتیه اوراق را در همانجا طبع کنند. ولی ثانیاً از طرف صاحبان مطابع شکایاتی رسید و معلوم شد بهیچ وجه دستور وزارت مالیه در آنجا موقع اجرا گذارده نشده است یا در مقابل اظهارات بنده وزیر مالیه وقت اقدامات و توجهی فرموده اند. حالا نمیدانم آقای وزیر مالیه فعلی هم همان بیانات وزیر مالیه قبل را تکرار خواهند فرمود؟ اگر این طور است که بنده شنیده ام و محتاج به تکرار نیست ولی اگر واقعاً بآن عمل خواهند کرد و قضیه يك صورت دیگری پیدا خواهد کرد. آن را هم بفرمایند تا بنده مستحضر شوم.

وزیر مالیه - بنده از بیانات سابق مستحضر نیستم و خاطر من نیست ولی وقتی که این سؤال رسید مراجعه کردم با اداره مربوطه معلوم شد که از طرف وزارت مالیه تلگرافاً و کتباً دستورات بآذربایجان داده شده است و خود بنده هم يك تلگرافی برای تأکید و تأیید این قسمت بآنجا مخبره کردم که مطبوعات را در خود تبریز طبع کنند و اگر نمایندگانی محترم تصور میکنند احکام مرکزی در ایالات و ولایات مجری نمیشود این را ممکن است هم ایشان تعقیب کنند و هم بنده تا هر دو بوظیفه خودمان عمل کرده باشیم.

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به وجود قند و شکر سؤال کرده بودند.

حاج آقا رضا (رفیع) - آقایان البته در نظر دارند که در دوره پنجم مالیات انحصار قند و شکر با آن ترتیب وضع شد. ما برای يك اصلاحات مهمی یعنی برای راه آهن آن مالیات سنگین را وضع کردیم و آن طور مردم را تحت فشار گذاشتیم و البته هیچ کدام از آقایان راضی نیستند که این پول با این ترتیب از مردم گرفته شود و غیر از آن مصرف اصلی خرج شود. برای مخارج وصول آن عوائد هم مجلس پیش بینی کرد صد هشت داده شود. بنده چندی قبل

استفسار کردم معلوم شد آن مبلغ را که مجلس اجازه داده بود خرج شود يك مقداری از آن خرج شده و يك مقدار از آن خرج نشده و این پول در وزارت مالیه باقی بود و آقایان بین يك اشخاصی تقسیم کرده اند. بنده گمان میکنم این پولی که از مردم گرفته میشود مجلس حاضر باشد بصرف دیگری غیر از آن مقصود اصلی صرف و خرج شود - (نماینده نماینده صحیح است) این پول برای این از مردم گرفته نمیشود که بین يك اشخاصی تقسیم و توزیع شود بلکه برای يك مقصودی دریافت میشود. این بود که بنده خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم آیا این مسئله صحیح است یا خیر؟

وزیر مالیه - در قانونی که راجع بانحصار قند و شکر از مجلس گذشته است صد هشت از عایدات را برای مخارج وصول عوائد انحصار اعتبار و تخصیص داده است. این که مطلب چنین صورتی را داشته باشد که يك مبلغی خرج این وصول بشود و مازاد آن در وزارت مالیه بین يك اشخاصی تقسیم شده باشد اینطور نیست. ولی طرز وصول و طرز خرج صد هشترا شاید بيك صورتی عمل کرده اند که آن صورت مورد اعتراض واقع شده باین معنی که این صد هشترا بملاحظه خرج وصول در يك قسمت از ادارات و دوائر مرکزی یا خارج از مرکز بمناسبت اینکه کار انحصار رجوع بآن دوائر بوده مصرف کرده اند یعنی از این وجوه يك اشخاص را استخدام کرده بودند و ممکن است بيك اشخاصی هم که در ادارات دارای شغلی بوده اند و اینکار ارتباطی بان دوائر داشته يك حقوق یا اضافه حقوقی داده باشند.

غرض این است صورت ظاهرش خوب جورى نبوده ولی بنده بمجرد اینکه این مسئله را در کمیسیون بودجه از آقایان شنیدم و مراجعه کردم همان وقت این تذکر را دادم و برای ۱۳۰۶ جلوی این مسئله را گرفتم بطوریکه در ۱۳۰۶ این مخارج تمرکز پیدا خواهد کرد بيك ترتیب معین و در يك نقطه ای که منحصرأ کارشان مربوط بانحصار

قند و شکر است و این صورت تفرقه و تشتتی که این وجه در بین اعضاء ادارات پیدا کرده بود ظاهرش موهم این بود که يك تقسیماتی شده باشد و در حال این ترتیب را بنده از ۱۳۰۶ موقوف کرده ام

حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید رئیس - بفرمائید.

حاج آقا رضا رفیع - بنده محاکمه این سؤال و جواب را به مجلس واگذار میکنم و از مجلس تقاضای کنم که در این قضیه حکم کنند. باید این پولی که داده شده است معلوم کنند چقدر است و به کی داده شده و بهر کسی داده شده باید از او پس بگیرند و با از حقوق او کسر کنند. و بخرج عایدات بگذارند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم عرایض بنده درست بر آقا روشن نشد. بنده عرض کردم که در قانون برای مخارج انحصار اعتباری داده اند که خرج بشود ولی طرز و رویه که در اداره برای خرج وصول تشخیص داده اند بطوری بود که عرض کردم خود بنده هم تصدیق دارم که خوب بطوری نبوده. و اگر این تشخیص از نقطه نظر اداری صحیح نیست ولی از نقطه نظر اصل موضوع چندان غلط نیست. زیرا خود قانون این طور مقرر داشته. منتهی خرج این وجوه را بشکل خوشی قرار نداده بودند و تقسیم کرده بودند با ادارات متفرق و مختلف مثلاً به محاسبات یا تفتیش یا مثلاً در گمرک یا جای دیگر. در حال صورت ظاهرش چندان خوش نبود و ما این را رفع کردیم. ولی اصل مطلب و موضوع و با همایی که در سابق چیزی گرفته اند ایراد و بختی وارد نیست و فقط يك اشتباهی است که در طرز اجرا و تقسیم پیش آمده و این هم رفع خواهد شد.

رئیس - آقای فرهمند

یک نفر از نمایندگان - تشریف ندارند.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده قبلاً از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم که در جواب عرایض بنده صرف بغور مولهای جوانی اکتفا نکنند و برای اینکه مقصود ما از سؤال حاصل شده باشد جواب بفرمایند. عرض میکنم میگویند: (اول باید چاه را کند بعد منار را دزدید.) یکی از سیاسیون ایران میگفت: (اول باید منار را دزدید بعد چاه خودش کنده میشود.) ولی حالا طوری شده که منار را دزدیده اند ولی چاهش هنوز کنده نشده است. و آن مسئله قاجاق است در سواحل خلیج فارس. بنده حالا نارنجش را درست نمیدانم که چه قدر است ولی قریب یکسال و چهار پنج ماه است که قانون انحصار قند و شکر از مجلس گذشته و همچنین سورنا کس که از برای راه آهن معین شده و متعاقب وضع این قانون قاجاق در سواحل خلیج فارس به منتهای شیوع رسیده یعنی تمام اجناسی که باید بفارس بیاید و به بنادر عربستان وارد شود نتیجه این شده است که تمام بازارهای بندر لنگه و بندر عباس و بندر بوشهر سقوط مهیبی یافته. بنده خواستم بدانم وزارت مالیه در این موضوع چه اقدامی کرده پارسا گفتند که شش تا کشتی ماشین دار که کشتی موتوردار هم میگویند قرار است بسازند برای تعقیب قاجاق. لازم است عرض کنم که این کشتی ها ابدأ نمی تواند باجهازات مسلحی که قاجاق میکنند مقاومت کنند از طرف دیگر دولت در خلیج فارس و محرمه چند کشتی دارد و این ها بکلی بیکار افتاده مثلاً جهاز برس پلیس که از جهازات جنگی است و باشش هفت هزار تومان میشود آرا تعمیر کرد و وزارت مالیه هنوز در این کار اقدامی نکرده و همینطور جهاز مظفری است که باز بر حسب اطلاعات بنده با چهار پنج هزار تومان میشود آرا تعمیر و مرمت کرد و همینطور جهاز آبی وی است که در محرمه بیکار مانده و باز جهاز پهلوی است که در محرمه بیکار افتاده و تمام این کشتی ها قابل تعقیب قاجاق هستند ولی بواسطه بیکار

افتادن بمرور از بین میروند و دیگر بدرد گرفتن قاجاق هم نخواهند خورد. بنده خیلی حسن نظر ندارم باین سؤال و جوابها و باین نطق های قبل از دستور که ما یک صحبت هائی بکنیم و وزارتخانهها یک جوابهائی بدهند ولی ترتیب اثری ندهند.

ولی مکرر به بنده از بندر عباس و بندر لنگه و بوشهر حتی از بحرین نوشته اند که شما چرا این مطالب را در مجلس صحبت نمیکنید آن بیچاره ها خیال میکنند که اگر ما یک مذاکرانی در مجلس بکنیم واقعاً دولت یک اقداماتی میکند و یک جنبش هائی تولید میشود و حقیقتاً یک کارهائی که بدرد مردم بخورد صورت میدهد!

حالا موضوع سؤال بنده این است که برای جلوگیری از قاجاق چه اقداماتی کرده اند؟ و چرا این جهازاتی که همینطور بیکار افتاده و با مبلغی ممکن است تعمیر کرد بکار نمی اندازند و باین وسیله جلوگیری از قاجاق نمیکنند و اخیراً شنیده ام در دشتی و دشتستان بعنوان جلوگیری از قاجاق سلب آسایش از مردم کرده اند یعنی بطور کلی آزادی مسکن را از مردم دشتی و دشتستان سلب کرده اند و منازل آنها را تفتیش میکنند دولت مأمور اجرای قانون است فرضاً که مردم قاجاق بکنند دولت حق ندارد برود در خانه های مردم و بگوید فلان قند را از کجا خریده بنده خواستم از آقای وزیر مالیه خواهش کنم که جواب این سؤال را از روی حقیقت بفرمایند نارفع این بدبختی از مردم بشود

وزیر مالیه - البته تصدیق میفرمائید برای اینکه جواب یک سؤالی داده شود باید مسائل مربوطه بآن مطلب ارجح عرض کرد و البته احتراز از آن مسائل هم قدری مشکل خواهد بود بنابر این اظهار آن مسائل نباید تعبیر آن شود که یک فورمولهائی است. مسئله قاجاق همان طوریکه میفرمائید یکی از مسائل خیلی مهم است و اهمیت این مسئله بیشتر بواسطه این است که متناسب بسط اقتدار و نفوذ دولت در تمام سواحل و نقاط مملکت قاجاق کم

و زیاد میشود خوب است تمام سواحل خلیج را در نظر بیاورید و نیز در نظر بیاورید که تا چهار پنج سال قبل از این بلکه تا سه سال قبل از این یک نقاطی از مملکت مثل خوزستان و بلوچستان یا گواتر اصلاً دولت مرکزی و ادارات هیچ قسم وسیله تحقیقی در آنجا ها نداشتند تا چه رسد باینکه جلو قاجاق را بگیرند بواسطه بسط اقتدار نظام و قشون البته یک وسائلی مهیا شده و از آن وسائل وزارتخانهها و دوائر دولتی باید استفاده کنند و کار های خودشان را باید منظم کنند اما این کار وقت لازم دارد ملاحظه بفرمائید به بینید آیا در تمام سواحل طولانی خلیج ممکن است یک مرتبه مسئله قاجاق را جلو گیری کرد؟ اینها یک چیز هائی است که باید بمرور زمان جلو گیری کرد خصوصاً در اینجا بنده یک اطلاع خیلی صحیحی دارم که عرض میکنم و خود آقا ممکن است از روی این قضایات نمایند بعد از تصفیه امور خوزستان از اینجا بکنفر مأمور مخصوص تعیین یکی از مفتشین بلژیکی کرک را دولت مأمور تفتیش قاجاق آن حدود کرد و در نتیجه تحقیقات و عملیات که کرده اخیراً اطلاع داده است که در خوزستان امروزه بهیچ وجه دیگر قاجاق نیست در صورتیکه در سواحل فارس و کرمان اینطور نیست و همانطوریکه آقای دشتی اظهار کردند دولت موفقیت کامل در جلوگیری قاجاق حاصل نکرده است ولی عملیاتی برای رسیدن باین مقصود شده و میشود و همانطور که عرض کردم بامدت و مرور زمان باید نتیجه مطلوبه را حاصل نمود یک مسئله دیگری برای روشن کردن ذهن آقایان لازم است عرض کنم که خیلی مفید است و آن این است که عوائد انحصار امسال را که حساب کرده ایم خیلی بیشتر از پارسال است که چه این مربوط بعمل دیگری هم هست ولی دلیل عمده این مسئله همان کم شدن قاجاق است و مخصوصاً در قسمت خوزستان همانطوریکه عرض کردم تقریباً از بین رفته و لازم است

عرض کنم که برای جلوگیری از قاجاق وسائل درنهایی هم لازم است و همانطوریکه اشاره کردم ده دوازده تا کشتی های کوچک مالیه تهیه کرده است ولی معیناً نتیجه مطلوبه بدست نمی آید. اما راجع به کشتی های موجوده که فرمودند وزارت مالیه و گمرک مدنی است که با ارکان حرب مشغول مطالعه و مذاکره هستند و موافقت کامل حاصل شده و ارکان حرب مضایقه ندارد که این کشتیها را باختیار اداره گمرک بگذارد و تعمیر کنند برای جلوگیری قاجاق ولی در ضمن مذاکره شاید علت تردید و مسامحه هم این بوده است بواسطه اطلاعاتی که از محل حاصل شده که این کشتیها فرضاً یک مخارجی برای تعمیراتش بشود باز کافی و وافی بمقصد نخواهد بود و الان بین گمرک و وزارت مالیه و اداره ارکان حرب مسئله تحت مطالعه است که آیا صلاح در این است که این کشتیها را مبالغ زیادی خرجش کنند و تعمیر کنند (چون این کشتیها تعمیر زیاد میخواهد و بواسطه اینکه از سیستم قدیم است اجزاء زیاد و ذغال زیاد می برد و خرجش زیاد خواهد بود) یا اینکه بهتر این خواهد بود که دو تا تحت البحری جدید کوچک که دارای زینیل و نسوپ هم باشد برای این کار بخرند و آن وقت این کشتی ها را بیک ترتیبات دیگری بفروشند الان چنانچه عرض شد این قضیه تحت مطالعه است و بالاخره یکی از این دو تصمیم اتخاذ خواهد شد. و وسائل بحری برای جلوگیری از قاجاق موجود خواهد شد و یکی از اطلاعات دیگری که شاید مفید باشد و نا اندازه تکرانی را رفع میکنند این است که این قسمت قاجاق که در سواحل کرمان و فارس میشود بیشتر بمصرف همان دهات و حیدود مرحدی میرسد. در هر حال وسائل اتخاذ شده و عنقریب نتیجه اقدام بعرض آقایان خواهد رسید و اطمینان حاصل است که موضوع قاجاق و کار قاجاق چی بر طرف شود. و چنانچه عرض کردم قاجاق که میشود بمراکز عمده ایالات و ولایات نمیرود و در

را با دو کشتی نفتیش می کنند بعلاوه این کشتی ها هم که در محره است از سیستم جدید است مخصوصاً کشتی پهلوی . الان در آنجا يك کشتی بزرگ و دونا كوچك هست و برای نفتیش متناسب است . بنده يك نکته دیگری می خواستم عرض کنم و آن این بود که خود مأمورین جزء کم-رک بیشتر با قاچاقچی ها همراهی میکنند و از آنها باید جلوگیری کرد .

وزیر مالیه - وقتی که بنده این عرض را کردم بطور کلی عرض کردم و نخواستیم کسی را استثناء کنیم ممکن است خود مأمورین هم یعنی مأمورین جزء که با يك حقوق دوازده تومان و پانزده تومانی در آنجا هستند در کار قاچاق دخالت کنند و در هر حال این يك کار مشکلی است و باید وسائل کار را طوری فراهم کرد که هیچکس حتی مأمورین جزء کم-رک هم هیچوقت نتوانند از حدود خودشان تجاوز کنند .

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است - جلسه آنیه فردا چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم هرطور که معین میفرمائید .

وزیر مالیه - راجع بدستور جلسه آنیه خواستم تقاضا کنم که لایحه اعتبار مخارج راه آهن که از کمیسیون بودجه گذشته در مجلس مطرح شود چون مدنی است مقدمات کار راه آهن تمام شده و تا این لایحه نگذرد بالاخره کار راه آهن صورت نخواهد گرفت از این جهت

استدعا دارم فردا جزو دستور شود

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - جزو دستور فردا میشود .

همان نقاط سرحدی صرف میشود ولی تصدیق میفرمائید که یکی از بهترین وسائل جاو گیری قاچاق این است که قاچاقچی تنبیه و مجازات شد این از نظاره نظر رعب دیگران اثرش از هر چیز بیشتر است و برای این مطلب هم البته بایستی تمام ادارات دولتی و مأمورین مخصوصاً مأمورین وزارت داخله و مأمورین جزء که در نقاط كوچك هستند همه خودشان را حقیقه باید با مأمورین کم-رک شریک بدانند که این کار بشود . آقا . خودتان مطلع هستید که هنوز در این نقاط دور دست مخصوصاً يك نفوذ های محلی حکمفرما است و هنوز آنطوری که باید رفع این نفوذ محلی نشده و این باغی ها و اشرارها که بعنوان خان محل و بعنوان رئیس ایل و قبیله ساطا منبع این شرارها بوده اند هنوز تمامشان آنطوری که باید قلع و قمع بشوند نشده اند . و بیشتر مفسد از آنها است و البته همانطوریکه تا حالا عمل شده است این اقدامات رادولت تعقیب میکنند و آنها که اصلاح و رفع شدند کاره مأمورین مالیه هم سهلتر میشود و مخصوصاً مذاکره بین وزارت داخله و مالیه راجع بهمین قسمت قاچاق و مأمورین جزء که در نقاط سرحدی هستند فعلاً موجود و در جریان است وقتی هم که تمام شد ممکن است نتیجه اش را بعرض مجلس برسانم با بطور خصوصی بعرض آقا برسانم .

دشتی - عرض کنم اینکه فرمودند نفتیش این سواحل کار مشکلی است بنده عقیده ام این است که نفتیش خلیج کار آسانی است . دولت انگلیس تمام خلیج

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد